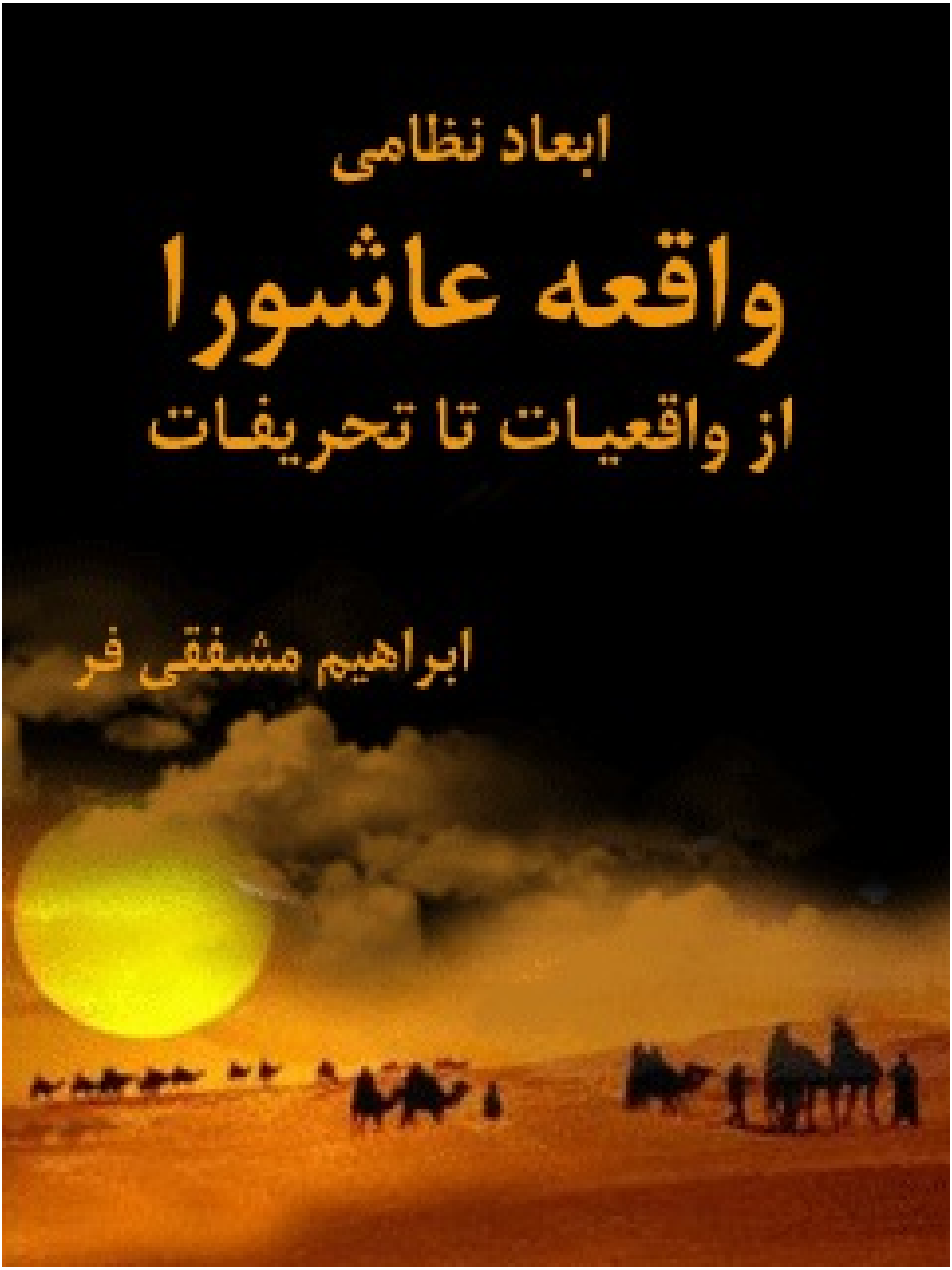

ابعاد نظامی
واقعه عاشورا
از واقعیات تا تحریفات
ابراهیم مشفقی فر

بسم الله الرحمن الرحیم

ابعاد نظامی واقعه عاشورا از واقعیات تا تحریفات

نویسنده:

ابراهیم مشفقی فر

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ابعاد نظامی واقعه عاشورا از واقعیات تا تحریفات

مشخصات کتاب

نویسنده : ابراهیم مشفقی فر

ناشر : ابراهیم مشفقی فر

چکیده

در این مقاله به ابعاد نظامی واقعه عاشورا اعم از جنگ روانی، تهمیدات و تدابیر دو طرف درگیر، هدفها، ارزیابی و مقایسه تعداد نیروها و سازمان رزم، آب و رویدادهای پیرامون آن و سایر مسایل پرداخته شده است. شیوه کار بدین صورت است که ابتدا با استناد به روایات و منابع قوی، اصل مسأله ارائه شده و با مبنا قرار دادن آن، تحریفات موجود در تحقیقات انجام شده مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در نهایت نتیجه ای ارائه شده است.در بحث جنگ روانی به عملیات روانی امام حسین (ع) و یارانش در قالب سخنرانیها، موعظه ها، مذاکرات، گفتگوهای مستقیم و رجزها اشاره شده است. از طرف اردوگاه امویان نیز تحرکاتی وجود داشته که بدان نیز پرداخته شده است.هدفهای طرفین متفاوت بود. عبیدالله قصد تسلیم و بیعت امام را داشت اما امام حسین (ع) شهادت را برگزیدند. در بحث مربوط به تمهیدات طرفین، ابتدا به اقدامات عبیدالله بن زیاد از زمان رسیدنش به کوفه تا رویدادهای روز عاشورا که به صورت فرستادن دسته هایی از نیروها برای کنترل راه ها و مرزهای کوفه و بصره و نیز کنترل و سرکوب و قتل و غارت اردوی کوچک امام حسین (ع) صورت گرفته است اشاره می شود. در مورد تدابیر امام حسین (ع) به چگونگی محل استقرار اردو ویژگیهای آن و کندن خندق اطراف خیمه ها و مسأله تل اشاره می گردد و به ابهامات و تحریفات نیز پاسخ داده می شود. همچنین در مورد آب و رویدادهای مربوط به آن، بستن آب به روی یاران امام و عکس العملهای امام در این مورد محور بحث

قرار گرفته است. در مورد افراد و استعدادهای رزمی طرفین به انعکاس آمار و ارقام منابع درباره ی تعداد افراد طرفین برای درگیری و تلفات آنها اشاره و نتیجه لازم گرفته شده است. در مورد رویدادها ابتدا مراحل نبردها و سپس چند مورد از تحریفات مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

واقعه ی عاشورای سال ۶۱ ه. ق گر چه از ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اخلاقی قابل مطالعه و تحقق است و تاکنون نیز بدان پرداخته و درباره ی آن سخنها گفته و مطالبی نوشته اند، اما یکی از زوایای مهم و قابل توجه در این واقعه، بعد حماسی و نظامی آن است که مستقلا بدان پرداخته نشده است. این واقعه که تبلور تضادهای اعتقادی و سیاسی بوده به صورت فعل و انفعالات نظامی روز عاشورا و روزهای قبل از آن عینیت یافت.درست از زمانی که عبیدالله بن زیاد خود را به کوفه رساند، تحرکات نظامی آغاز شد و مقدمات وقوع این واقعه غم انگیز و این نبرد نابرابر شروع شد. ابن زیاد تدابیر لازم نظامی را اندیشید، و نیروهای نظامی لازم را تهیه و تدارک کرد. امام حسین (ع) گرچه قبل از رسیدن به محدوده ی تحت کنترل در کوفه، از قطقطانه تا کربلا از انجام این اقدامات باخبر شد و در عین حال به راه خود ادامه داد، اما در اولین برخورد با نیروهای تحت امر حر بن یزید ریاحی، که در قطقطانه به هم رسیدند، امام حسین (ع) عملیات روانی خود را شروع کرد که تا آخرین لحظات درگیریهای روز عاشورا بطور دو جانبه ادامه یافت، که بخشی از بررسیهای این مقاله را تشکیل می دهد. همچنین درباره ی آب و

رویدادهای پیرامون آن، تدابیر امام حسین (ع) در مورد انتخاب محل استقرار اردوی خود و رویدادهای روز عاشورا و آمار و ارقام نفرات طرفین و قربانیان و چگونگی سازمان رزم بحث شده است.شیوه کار بدین گونه است که ضمن اینکه روایات و مندرجات منابع دست اول با هم تطبیق یافته، مطالب مطالعات و تحقیقات درباره ی این موضوعات با منابع اصلی مقایسه شده تا صحت و سقم مطالب سنجیده شود و تحریفات موجود استخراج گردد. امید است استادان ارجمند در تکمیل و غنای آن و در جهت برداشتن گامهای بعدی مرا از راهنماییهای خود بهره مند فرمایند.

جنگ روانی

بخش قابل توجه عملیات روانی را تبلیغات هدفداری تشکیل می دهد تا اذهان نیروهای انسانی جبهه مقابل را در معرض تهاجمی قرار دهد که انگیزه آنان را از مقاومت در جنگ سلب کند.این مسأله در وقایع روز عاشورا و روزهای قبل و بعد از آن جلوه های مختلفی دارد به گونه ای که هر یک از طرفین درگیر به گونه ای بدان پرداخته اند. البته شیوه ها و محتوای جنگ روانی طرفین با هم تفاوتهایی داشته است. امام حسین (ع) و یارانش با روشنگری، موعظه و نصیحت در قالب آیات قرآنی، رجزخوانی، نفرین، سخن گفتن، مذاکره کردن و افشاگری و نقل فضایح مخالفان به جنگ روانی پرداختند ولی طرف مقابل با تخطئه، کتمان حقایق، خلق مثالب، زخم زبان، شماتت و ارعاب، سعی در تضعیف روحیه یاران امام حسین (ع) داشتند. آماج تهاجمات روانی هر طرف بر مردم کوفه و افراد طرف مقابل بود. محتوای رجزهایی که خوانده شده و در تاریخ ثبت و ضبط شده، آرمانها، افکار، سطح فکر و اعتقادات طرفین و رجزخوانها را نشان می دهد.

به هر حـال بخش قابـل تـوجهی از وقـایع مربـوط به عـاشورا را جنـگ روانی از این دست تشـکیل می دهـد. البته برخی از این عملیاتها از سوی عامل آنها آگاهانه و به منظور تضـعیف و درهم شکستن قوای روحی دشمن بود و برخی دیگر نیز خود بخود چنین تأثیری داشت. مهمترین و بیشترین بخش عملیات روانی طرفین قبل از روز عاشورا شـروع شده بود اما بخش دیگر آن در روز عـاشورا و در خلال نبردهـا انجـام یافت. دو طرف همزمان، هم در موضع تهاجمی و هم در موضع تـدافعی بودند.دسـتگاه اموی هم در پی بیعت گرفتن از امـام بود اما امام و یارانش عمل به تکالیف الهی را مـد نظر قرار داده بودنـد.اگر اولین تکاپوی جدی نظامی عبیدالله بن زیاد را در ایجاد فاجعه جانگداز کربلا فرستادن هزار نفر نیروی نظامی به فرماندهی حر بن یزید تهیمی یربوعی برای فرود آوردن اجبـاری کـاروان حسـین (ع) در محلی بی آب و علف و بی پناهگـاه به حسـاب آوریم، اولین تلاش امام در اجرای عملیات روانی بر ضد دشـمن را در همین مرحله ملاحظه می کنیم. در اولین برخورد با این نیرو امام حسـین (ع) به غلامانش فرمودنـد که به این جماعت و اسـبانشان آب دهند. [۱] .این حرکت امـام از نظر روانی بر نیروهـای حر تأثیر طبیعی داشت به گونه ای که برخی بـدین پندارنـد که این حرکت مـانع جنـگ بین آنـان شـد. امـا واقعیت امر این است که اصـلا حر مـأموریت جنـگ بـا امام را نداشـته است، بلکه موظف بود اردوی امام را به کوفه سوق دهـد. [۲] پس از اینکه آنها را سـیراب کردند امام در اولین سخنرانی خود

پس از اقامه نماز مشترک دو سپاه به امامت حضرتش، به روشنگری و بازگویی حقایق پرداخت. این سخنرانی که ذیلا به تفصیل می آید، در واقع دومین عملیات روانی ایشان بود. امام فرمودند:«ای مردم، مرا به پیش خدای عزوجل و شما این عذر هست که پیش شما نیامدم تا نامه های شما به من رسید و فرستادگانتان آمدند که سوی ما بیا که امام نداریم، شاید خدا به وسیله تو ما را بر هدایت فراهم آرد. اگر بر این قرارید آمده ام. اگر عهد و پیمان کنید که اطمینان یابم به شهر شما آیم و اگر نکنید و آمدن مرا خوش ندارید، از پیش شما بازمی گردم و به همان جایی می روم که از آنجا به سوی شما آمدم. [۳] .همچنین امام نامه هایی را که مردم کوفه به ایشان نوشته بودند به حر نشان داد. برخی از کسانی که آن نامه ها را نوشته بودند، در میان لشکریان حر بودند. حر از نوشتن آنها اظهار بی اطلاعی کرده، به امام عرض کرد که ما مأموریت داریم شما را به سمت کوفه سوق دهیم. [۴] در اینجا نکته ظریفی نهفته است که از لحاظ روانی برای دشمن شکننده بود و بدین وسیله آن تعداد از لشکریان حر وقتی خود حر از این قضایا و علت آمدن امام بر این منطقه اظهار بی اطلاعی کرد، به واقعیت امر آگاه شدند؛ همچنین جو عدم اطمینان میان سپاهیان دشمن، بویژه بین سران آنها با لشکریانش به وجود آورد که بخش دیگری از جنگ روانی امام با دشمنان را نشان می دهد. یادآوری مکرر این نکته که شما مرا دعوت کردید، در جریان همراهی یاران امام و یاران

حر در مسافتی که از قطقطانه تا نینوا طی کردند، فرصت دیگری پیش آورد چنانکه عقبه بن ابی العیزار گوید امام در منطقه ی بیضه با آنان سخن گفت. این سخنرانی را باید بخش مهم دیگری از عملیات روانی امام به شمار آورد، زیرا نکات مهمی در آن نهفته است که برای دشمن تکان دهنده بود که ذیلا به مشروح آن می پردازیم. امام نخست حمد و ثنای خدای را کرد و سپس فرمود:«ای مردم، پیغمبر خدای صلی الله علیه و آله و سلم فرموده هر که حاکم ستمگری را ببیند که محرمات خدا را حلال شمارد و پیمان خدا را بشکند و به خلاف سنت پیغمبر خدا رود و میان بندگان خدا با گناه و تعدی عمل کند و به کردار یا به گفتار عیب او نگوید، بر خدا فرض باشد که او را به جایی که باید برد. بدانید که اینان به اطاعت شیطان در آمده اند و اطاعت رحمان را رها کرده اند، تباهی آورده اند و حدود را معوق نهاده اند و غنیمت را خاص خویش کرده اند، حرام خدا را حلال دانسته اند وحلال خدا را حرام شمرده اند و من شایسته ترین کسم که عیبگویی می کنم.نامه های شما به من رسید و فرستادگانتان با بیعت شما پیش من آمدند که مرا تسلیم نمی کنید و از یاریم باز نمی مانید، اگر به بیعت خویش عمل کنید ارشاد می یابید. من حسین پسر علیم و پسر فاطمه دختر پیغمبر خدا (ص) که جانم با جانهای شماست و کسانم با کسان شمایند و مقتدای شمایم و اگر نکنید و پیمان خویش بشکنید و بیعت مرا از گردن خویش بردارید که این از شما تازه نیست... هر

که پیمان شکند به ضرر خویش می شکند، زود باشد که خدا از شما بی نیاز شود». [۵] .بنابراین ملاحظه می شود که امام به نکاتی توجه و اشارت کردند که بخش اعظم شنوندگانش، یعنی انسانهایی که در زمره ی نیروهای حر بودند، تحت تأثیر خلاف این تبلیغات بودند؛ یعنی تبلیغاتی که در آن امام حسین (ع) را از دین خارج شده، یاغی و حتی نامسلمان معرفی کرده بودند.در جریان همین راهپیمایی دو اردو، امام در منطقه ذی حسم بار دیگر به موعظه و ارشاد و روشنگری پرداخت و چنانکه نویسنده ی «نفس المهموم» توضیح داده، روایت آن را ابی مخنف از عقبه بن ابی العیزار نقل کرده، ادامه روایت قبلی، و طبری هم از آن نقل کرده است. امام حسین (ع) حمد خدای را گفت و سپس کارها چنان شده که می بینید، دنیا تغییر یافته و به زشتی گراییده، خیر آن برفته و پیوسته بدتر شده و از آن ته ظرفی مانده و معاشی ناچیز، چون چراگاه کم فایده، مگر نمی بینید که به حق عمل نمی کنند و از باطل نمی مانند، حقا که مؤمن باید به دیدارخدای راغب باشد که به نظر من مرگ شهادت است و زندگی با ستمگران مایه رنج. [۶] .به دنبال این سخنان، زهیر بن قین بجلی یکی از برجستگان اصحاب امام (ع) پس از حمد و سپاس خدای گفت: «... به خدا اگر دنیا برای ما باقی بود و در آن جاوید بودیم و یاری و پشتیبانی تو موجب جدایی از دنیا بود، قیام تو را بر اقامت دنیا مرجح می داشتیم. [۷] «این سخن زهیر در مقابل کسانی که در روز عاشورا دستشان به خون یاران حسین (ع) آلوده

می شـد و هم برای کسانی که در رکاب امام شـهید خواهنـد شد از لحاظ روانی مؤثر است؛ یعنی نیروهای عبیدالله را متزلزل و یاران امام حسـین (ع) را مصـمم می کنـد. کسان دیگری نیز از یاران امام حسـین (ع) حرفها می گفتنـد که در تضـعیف روحیه دشـمن مؤثر بود، [۸] همچنین بعـد از اینکه حر، امـام را از جنگ برحـذر داشت به این خاطر که حتما کشـته خواهـد شـد، امام فرمود مگر بیشتر از مرگ چیزی هست و برای حر شـعر آن مرد اوسـی را خواند که به یاری پیامبر می رفت، در مقابل نصیحت پسـرعمویش که گفت نرو که کشـته می شود، «می روم که مرگ برای مرد اگر نیت پـاک دارد، و مسـلمان است و پیکـار می کند و به جان از مردان پارسا پشتیبانی می کند، عار نیست». [۹] .در جریان این راهپیماییها بود که اخبار قیس بن مسهر فرستاده دوم امام به کوفه به ایشان رسـید بـدین مضـمون که بعـد از اینکه او را گرفتنـد و به پیش عبیدالله بردند، وی دسـتور داد که در منظر عام، حسـین (ع) و پـدرش را لعنت کنـد. اما وی امام و پـدرانش را درود گفت و ابن زیاد و پـدرش را لعنت کرد. گرچه قیس بن مسـهر را از بالای قصـر به زیر انداختند، اما در عین حال آن حرکت وی از لحاظ جنگ روانی باید شاهکاری به شمار آیـد.امام حسـین (ع) و یارانش قبل از نبردهای انفرادی به خوانـدن رجز می پرداختند. بخشـی از محتوای این رجزها را مطالب حماسـی و بخشی دیگر را روشنگریها تشکیل می داد. بنابراین از لحاظ روانی برای طرف مقابل مؤثر بود که مورخان به ثبت و ضبط

آن پرداخته انـد، افراد دشـمن نیز رجزخوانی می کردند. همچنین بین طرفین فحش و ناسـزاهایی نیز رد و بدل می شد. البته این بخش از جنگ روانی تماما از سوی افراد عمرسـعد بود، که امام و یارانش بخشی از جنگ روانی خود را با قرائت آیات قرآنی انجـام می دادنـد چنـانکه موقعی که مـأمور عبیـدالله فرمان جدیـدی را در نینوا به حر رسانـد، یاران امام وقتی با او صـحبت می کردنـد یکی از آنـان به نـام ابوالشـعثاء به او گفت «عصـیان پروردگـار کرده ای و از اطـاعت پیشوای خویش در کـار هلاـکت خویش و ننگ و جهنم جسـته ای که خدای عزوجل گوید: «و جعلنا منهم ائمه یدعون الی النار و یوم القیامه لا ینصـرون». [۱۰] همچنین موقعی که ابن اشعث به امام حسین (ع) گفت «ای حسین پسر فاطمه کدام حرمتی است که از رسول الله به تو رسیده و به دیگران نرسـیده است» امام در جواب فرمود: ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی الصالحین ذریه» [۱۱] به خـدا محمـد از آل ابراهیم و عـترتش از آل محمـد است.لاـزم به یـادآوری است که جنـگ روانی دو طرفه بـوده، در برخی موارد، امام و یارانش از این بابت در موضع دفاعی بودنـد، و از این لحاظ نیز خوب ظاهر شدند و حرفهایی که بین طرفین رد و بـدل می شد میزان آگاهی و سـطح فکر و اهداف و نیتهای طرفین را نیز نشان می داد. القای شـبهه نسـبت به حقانیت و انتساب امام به پیامبر و یاغی و متمرد بودن وی سوژه هایی بود که سـران لشـکر ابن سـعد به گوش نیروهایشان می رساندند.موقعی که عمر بن سعد، قره بن قیس حنظلی را در کربلا برای

ابلاغ پیامش فرستاد، ابتدا امام حسین (ع) مسأله فرستادن نامه های کوفیان را بار دیگر خاطرنشان ساخت؛ سپس حبیب بن مظاهر به وی گفت «ای قره پسر قیس وای بر تو چرا پیش قوم ستمگر بازمی گردی؟ این مرد که خدا توسط پدرانش ما و تو را حرمت بخشیده یاری کن». وی جواب داد در این مورد اندیشه می کنم. [۱۲] بنابراین امام و یارانش از هر فرصت به دست آمده در اجرای عملیات روانی کوشیدند و در نتیجه این تلاشها بود که تعدادی از افراد عمر بن سعد به جمع یاران امام حسین (ع) پیوستند که برخی تعداد آنها را تا سی و دو نفر نوشته اند [۱۳] اما منابع دیگر فقط به حر، پسر، برادر و غلام وی اشاره کرده اند که همراه یاران امام حسین (ع) جنگیدند و به درجه شهادت نایل شدند. به هر حال غیر از اینکه امام و یارانش به عنوان یک وظیفه شرعی به ارشاد، روشنگری، امر به معروف و نهی از منکر پرداختند و اهداف اخروی را دنبال می کردند، به پیروزیهای ظاهری نیز دست یافتند.جنگ روانی دراین واقعه همانند تیغی دو دمی بود که از سوی هر دو طرف بر ضد طرف مقابل عمل می کرد. در دنباله ی این بحث به قضایای دیگری اشاره می شود: موقعی که پانصد تن از نیروهای عمر بن سعد مأمور شدند آب را بر اردوی امام حسین(ع) ببندند، عبیدالله بن حصین ازدی بانگ زد و گفت: «ای حسین آب را می بینی که به رنگ آسمان است به خدا یک قطره از آن نمی چشی تا از تشنگی بمیری». امام نیز او را نفرین کرد. [۱۴] این سخن در «منتخب

التواریخ» به نقل از «الامامه و السیاسه» ابن قتیبه به گونه ی دیگری بین شده که شمر گفت «ابدا آب نخورید تا اینکه از حمیم بخورید.» [۱۵] .همچنین روز تاسوعا شمر به درخواست یکی از افرادش نامه ای به عباس، عبدالله، جعفر و عثمان از برادران امام حسین (ع) نوشت که «این امان نامه را دایی شما فرستاده»، آنان جواب دادند «ما را به امان شما حاجت نیست، امان خدا از امان پسر سمیه بهتر است». [۱۶] البته این حرکت شمر گرچه بی نتیجه بود اما به قصد تضعیف روحیه نیز بود. درباره ی این قضیه و حرفهای رد و بدل شده در این ماجرا، منابع گونه های مختلفی نقل کرده اند.یکبار نیز پس از اینکه یاران امام حسین (ع) هیزمهای داخل خندق را آتش زده بودند یکی از افراد عمرسعد به نام ابن ابی حویریه المزنی آتش را نگاه کرد و گفت: «ای حسین بشارت باد تو و یارانت را به آتش!» امام جواب داد: خدایا در دنیا آتش را به وی بچشان و در آخرت نیز او را در آتش سوزان بینداز». [۱۷] .جنگ روانی افراد عمرسعد عمدتا به صورت زخم زبان و فحاشی و ناسزا گویی بود که باره در طول جنگ چنین سخنانی را بر زبان آورده اند اما آنان هیچ نتیجه ای به دست نیاوردند و هیچ یک از یاران امام حسین (ع) در هدف خود متزلزل نشد، بلکه آنان مردانه جنگیدند و شهید شدند.نکته دیگر اینکه برخی از تحقیقات مطرح کرده اند که قبل از شروع جنگ در صبح روز عاشورا، امام حسین (ع) سخنرانی کردند. البته متن این سخنرانی را منابع به اتفاق نقل کرده اند که این نیز بخش

دیگری از عملیات روانی امام را تشکیل می دهد. برخی از منابع دیگر نقل کرده اند که هنگام سخنرانی امام، فرماندهان دشمن برای اینکه مردم سخنان امام را نشنوند به فریاد کشیدن و هلهله کردن پرداختند و جار و جنجالی به پا کردند [۱۸] که در منابع اصلی تأیید نشده است.

اهداف نظامی طرفین

یکی از نکات در خور تفحص، اهداف و مقاصدی است که طرفین درگیر در روز عاشورا دنبال می کردند. شواهد و قرائن فراوانی وجود دارد که بر اساس آنها می توان استدلال کرد که امام حسین (ع) نهایت تلاش خود را به عمل آورد تا کار به درگیری نینجامد و یا حداقل، اردوی ایشان شروع کرد جنگ نباشد. گرچه توان رزمی امام در مقابل دشمن کم بود، اما فرصتهایی پیش آمد که اگر اقدام به درگیری می کرد احتمال موفقیت زیاد بود؛ چنانکه شهید مطهری نیز بدان توجه دارد آنجا که می گوید: [«امام حسین (ع)] یکی از مبادی و اصولش عدم شروع به جنگ بود». [۱۹] و از این لحاظ به شیوه پدرش علی (ع) تأسی جسته و با در نظر گرفتن آیه مبارکه «الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمات قصاص» چون ماه محرم بود، از جنگ و درگیری احتراز می کرد؛ اما شواهد و قرائن آن عبارتند از:۱- بعد از اینکه حر با لشکر هزار نفری خود به نزدیک کاروان امام حسین (ع) رسید، امام دستور دادند اسبان آنها را سیراب کنند [۲۰] و در جریان طی مسافت بین قطقطانه و کربلا و زمانی که حر اصرار می کرد از مسیری عبور کنند تا به کوفه برسند، زهیر بن قین به امام پیشنهاد کرد که اگر با این عده قبل

از اینکه نیروهای دیگری برسند، بجنگیم پیروز خواهیم شد، امام اجازه چنین کاری را ندادند. [۲۱] .۲- امام حسین (ع) در گفتگوهای اولیه با یاران حر فرمودند: «... شما پیمان و عهدی به من بدهید... که به سبب آن آسوده خاطر باشم و اگر این کار را نمی کنید و آمدن مرا خوش نمی دارید از آنجا که آمده ام، بازمی گردم...». [۲۲] .۳- موقعی که شمر و افرادش در کنار خندق، اسبهایشان را به جولان در آوردند و شمر به ناسزاگویی پرداخت، مسلم بن عوسجه خواست با تیری شمر را بزند که امام مانع این کار شد و فرمود «من خوش ندارم آغاز به جنگ ایشان کنم». [۲۳] .۴- منابع به اتفاق تأیید می کنند که وقتی نیروهای عمر بن سعد به کربلا رسیدند، امام از عمر بن سعد درخواست ملاقات کرد و با وی بارها مذاکره کرد.۵- روز تاسوعا موقعی که لشکریان عمر بن سعد دست به حمله زدند، برخی از یاران امام حسین (ع) آنان را نصیحت کردند تا دست از جنگ بردارند و خود امام، آن شب را برای انجام عبادات مهلت خواستند.گرچه امام از بروز جنگ امتناع می ورزید و قصد بیعت با یزید را نیز نداشته است که برخی به اشتباه این مسأله را مطرح می کنند، حتی در خلال جنگ نیز به خواسته دشمن مبنی بر تسلیم و بیعت رضا نداد، چنانکه طبق روایتی از عقبه بن سمعان این امر مسلم می شود، آنجا که وی می گوید «همراه امام حسین (ع) بودم، با وی از مدینه به مکه رفتم و از مکه به عراق، تا وقتی که کشته شد از او جدا نشدم... به خدا... نگفته بود

که دست در دست یزید معاویه نهد یا او را به یکی از مرزهای مسلمانان فرستد، بلکه گفت بگذارید در زمین فراخ بروم تا ببینم کار کسان به کجا می کشد». [۲۴] در حالی که در کتاب روضه الشهدای کاشفی آمده است که بعد از اینکه حر، برادر، پسر و غلامش به شهادت رسیدند امام خطاب به دشمن فرمود. «ای گروه مردمان بیایید و با من یکی از سه کار کنید، اول آنکه راه دهید مرا تا نزدیک یزید روم و با او مناظره کنم... یا بگذارید به سر قبر پدرم روم و به عبادت و زیارت بپردازم و یا اینکه به ما آب دهید...» دشمن هر سه پیشنهاد را رد کرد الا بیعت با یزید را. [۲۵] در عقد الفرید نیز همین مطلب آمده. [۲۶] اما سایر منابع آن را تأیید نمی کنند. اما دستگاه بنی امیه نیز در تمام مراحل این جنگ، استراتژی تسلیم و بیعت امام حسین (ع) و در غیر این صورت جنگ را دنبال می کرد و راه سومی در پیش نبود. البته بیعت امام برای آنان مهمتر و حیاتی تر و در استحکام و مشروعیت حکومتشان کاراتر بود لذا به همین خاطر هم بود که جنگ را تا عصر عاشورا ادامه دادند و امام آخرین نفری بود که به شهادت رسید. گواهیهای متعددی برای اثبات این نظر وجود دارد که به چند مورد آن اشاره می کنیم:پس از اینکه امام حسین (ع) نامه ها را به حر و یارانش نشان داد، وی بعد از اظهار بی اطلاعی از نوشتن این نامه ها، هدف مأموریت خود را به امام باز گفت و فرمان عبیدالله را مطرح کرد و گفت:

«به ما دستور داده اند وقتی به تو رسیدیم از تو جدا نشویم تا پیش عبیدالله بن زیاد ببریم». [۲۷] اما در «بحارالانوار» آمده است که حر به امام گفت من برای جنگ با تو فرستاده شده ام [۲۸] در صورتی که در تاریخ طبری آورده است که حر گفت «مرا دستور جنگ با تو نداده اند، دستور داده اند از تو جدا نشوم تا به کوفه ات برسانم». [۲۹] در فرمان دوم عبیدالله بن حر نیز دستور جنگ داده نشده، «وقتی نامه ی من به تو رسید و فرستاده ام بیامد، حسین را بدار در زمین بی حصار و آب...». [۳۰] همچنین پس از اینکه عمر بن سعد در رأس نیروهای چهار هزار نفری به کربلا رسید کسی را پیش امام فرستاد و یادآور شد که «نمی خواهم به غافلگیری کشته شوی، برای چه آمده ای». [۳۱] بعد از اینکه جواب امام را گرفت آن را به عبیدالله گزارش داد و او نیز در نامه ای به عمر بن سعد چنین نوشت: «به نام خدای رحیم. اما بعد به حسین بگو او و همه یارانش با یزید بن معاویه بیعت کنند و چون چنین کرد رأی خویش را بگوییم. و السلام». [۳۲] نیز بعد از اینکه شمر، عبیدالله را از جریان مذاکرات ابن سعد با امام حسین (ع) یادآور شد، عبیدالله شمر را پیش خود خواند و نامه ای به وی داد و گفت: «این نامه را پیش عمر بن سعد ببر که به حسین و یارانش بگوید به حکم من تسلیم شوند، اگر شدند آنها را به مسالمت پیش من بفرستند و اگر نپذیرفتند با آنها بجنگید...» [۳۳] .بنابراین ملاحظه می شود که تسلیم و بیعت امام

حسین (ع) در درجه اول اهمیت قرار داشت و در صورت ناامیدی از دستیابی بدین هدف، دستگاه اموی درصدد جنگ و ستیز بود. به نظر می رسد ارزش سیاسی این امر بیش از شق دوم قضیه بود و در این صورت مصالح و منافع این دستگاه بیشتر تأمین می شد که خود آنان بدین امر آگاه بودند.

تمهیدات عبیدالله

عبیدالله بن زیاد که به دستور یزید مأموریت یافت خود را به سرعت به کوفه برساند و اقدامات لازم را برای خاموش کردن قیام حسینی انجام دهد، به محض ورود به این شهر تدابیر و تمهیداتی را به عمل آورد. گستردگی عملیات پیشگیرانه وی تا جایی بود که گویا می خواهد با ارتش نیرومندی به جنگ بپردازد. ابتدا فشارهای اقتصادی شدیدی را توسط عریف ها به مردم تحمیل نمود. آنان دستور داشتند تا نام افراد غریبه یا شورشی یا مظنون را در عرافه هایشان بنویسند، وی عریف ها را مسئول هرگونه اغتشاش به حساب آورد و تهدید کرد که اگر عریفی، چیزی را از ابن زیاد پنهان کند به دار آویخته خواهد شد و تمام عرافه از دریافت حقوق محرم خواهند شد. همچنین اعلامیه ای صادر کرد که بر اساس آن افرادی که به حمایت از امام حسین (ع) مورد شک واقع شوند بدون محاکمه به دار آویخته خواهند شد و خانه شان طعمه آتش قرار خواهد گرفت و اموالشان مصادره خواهد گردید. [۳۴] .غیر از داخل کوفه، اقدامات دیگری در جهت بستن جاده هایی که از حجاز به کوفه منتهی می شد، انجام داد و دستور منع ورود و خروج افراد را به قلمرو کوفه صادر کرد و در قادسیه ضمن اینکه حر را در رأس هزار سوار

به مقابل اردوی امام حسین (ع) فرستاد، و به روایتی میان قادسیه و عذیب، به روایت دیگر در تمام مناطق بین قطقطانه تا خفان، دیـده بانان و سوارانی را توسط نیروهای تحت فرمان حصـین بن نمیر که در قادسـیه مسـتقر بودند، گماشت. [۳۵] بدین ترتیب تمـام جـاده ها و مناطق مرزی میان کوفه و بصـره به شـدت تحت کنترل و مراقبت قرار گرفت. گرچه امام حسـین (ع) در وادی عقیق توسـط مردی از قـبیله بنی عکرمه مطلع شـد امـا به راه خود ادامه داد». [۳۶] .سـختگیری این مأموران به انـدازه ای بود که مردی از قبیله همـدان از شـام به کوفه رفته بود تـا ارثی را که طلب داشت بگیرد. مأموران عبیـدالله او را دسـتگیر کرده و به نزد وی بردنـد که بدون سؤال دسـتور قتل او صادر گردید. [۳۷] همچنین شخصـی به نام عبـدالله بن یسار که مردم را به رفتن برای کمک امام حسـین (ع) و بریـدن از دشـمنان آن حضـرت دعوت می کرد دسـتگیر کردنـد و به قتل رساندنـد. [۳۸] .سیاستهای اعمال شده توسط عبیدالله در مورد بزرگان قوم به گونه دیگر بود، آنان را با رشوه های کلان تطمیع و دوستیشان را جلب کرد و بر ضد امام حسـین (ع) قرار داد. [۳۹] عبیدالله بن ابن سـعد در صورت انجام مأموریت محول در مورد امام حسـین (ع) فرمان حکومت ری و مرز دسـتبی [۴۰] و دیلم را نوشت و در غیر این صورت مرگ را پیش پـایش نهـاد. همچنین متجـاوز از ده روز تمـام اسـلحه سـازان را بـه کـار گمـاشت تـا شب و روز به سـاخت اسـلحه مشـغول شونـد. [۴۱] عبیـدالله خـود در مـورد بودجه اختصاص یافته به سرکوبی

قیام امام حسین (ع) در مسجد کوفه گفت که یزید به من نوشته است که چهارهزار دینار و یک هزار درهم در بین شما تقسیم کنم تا به جنگ با حسین بپردازید. [۴۲] .

تدابیر امام حسین

بعد از اینکه امام حسین (ع) با وجود فشار [۴۳] حر، محل استقرار اردوی کوچک خود را در نینوا تعیین کرد، تدابیر لازم را اندیشید و به مورد اجرا گذاشت تا با این نیروی اندک، بیشترین تلفات بر دشمن وارد کند و نهایت مقاومت را بکند. بنابراین نینوا یا کربلا منطقه عمومی نبرد و ذی حسم [۴۴] محل دقیق وقوع حادثه بود. یکی از نکاتی که امام مورد نظر داشت نزدیکی به محل آب بود لذا در کنار رود فرات اردو را مستقر کرد تا از این مایه ی حیاتبخش، که در دشتهای بین النهرین اهمیت فزاینده ای به علت گرمای هوا دارد و در نبردها عنصر سرنوشت سازی است، استفاده لازم را بکند. دومین عامل در تعیین محل استقرار اردو، جای مناسب برای خیمه ها بود. خیمه ها که هم به منزله ی عقبه و محل تدارکات، و هم به مثابه بیمارستان و هم مأمن خانواده های یاران رزمنده امام حسین (ع) به شمار می آمد، باید در جای مناسبی قرار می گرفتند. لذا علاوه بر اینکه در پشت خیمه ها خندقی حفر شد، به یاران خود فرمودند که «خیمه ها را نزدیک به هم بزنند و طنابهای آنها را در هم داخل کنند و آنها را چنان کنند که خود در میان آنها قرار گیرند و با دشمنان از یک سو روبرو شوند و خیمه ها در پشت سر و سمت راست و چپ ایشان قرار داشته باشد که سه سمت ایشان را احاطه

کرده باشد، جز آن سمت که دشمن به نزد ایشان آید». [۴۵] اما نویسنده ی کتاب «تجلی حقیقت در اسرار کربلا» نوشته است که «حضرت حسین خیام را پشت تلی برپا کرد که این تل مانع از مشاهده قشون دشمن باشد و این تل بین خیام و میدان جنگ فاصله بود، برای آنکه زنها حالت جنگ و اوضاع ناگوار قتال را مشاهده نکنند، زیرا مشاهده اوضاع ناملائم بخصوص این قبیل اوضاع که حکایت خونریزی مخصوصا کشته شدن اقارب باشد، موجب اضطرار و فزع است و برای اشخاص ضعیف القلب، بخصوص زنان که رقت آنها زیاده از مردان است، این حالت بیشتر بروز می کند و ممکن است جزع و فزع آنها مردان را متزلزل نموده از ستیز و آویز بازدارد». [۴۶] .نویسنده به راوی و مأخذ این مطلب کوچکترین اشاره ای نکرده و در منابع نه تنها هیچ قرینه ای بر وجود تلی بین خیمه ها و میدان نبرد وجود ندارد بلکه قرینه ای بر نفی آن وجود دارد و آن اینکه عبیدالله به حر دستور داده بود که اردوی امام حسین (ع) را در محلی «بی پناهگاه» فرود آورد. بنابراین به احتمال زیاد این «تل» ساخته و پرداخته تخیلات نویسنده است. اما راجع به جزع و فزع زنان به جهت مشاهده منظره جنگ و ایجاد تزلزل در روحیه ی مردان، بنا به دلایلی مردود است: اولا ـ «اگر اهمیت مسأله در این حد بود و امام حسین (ع) از مسافتهای خیلی دور قبل از رسیدن به منطقه ی خطر از گزارشهای خطرناک بودن اوضاع این منطقه مطلع شده بود، اصلا «زنان و بچه ها را به همراه این کاروان نمی آورد؛ ثانیا در اثنای نبردهای روز

عاشورا زنان نه تنها موجب تضعیف و تزلزل روحی رزمندگان اردوی امام حسین (ع) نشدند بلکه به تشویق و دعوت آنان به نبرد و پایداری و شهادت پرداختند و حتی بارها خود آنان اقدام به رفتن به میدان جنگ نمودند که امام حسین (ع) مانع شدند به این دلیل که جهاد بر زنان واجب نیست و حتی یکی از آنان به شهادت رسید. [۴۷] .نکته دیگری که امام در تدبیرهای خود در استقرار اردویش مورد نظر قرار داد، حفر خندق در پشت خیمه هاست. منابع به اتفاق تأیید می کنند که امام پس از استقرار خیمه ها به یارانش دستور داد که پشت آنها خندق بکنند و آنها را از هیزم پر کنند و آتش بزنند تا تنها یک راه برای خیمه ها باشد که در صورت وقوع درگیری یارانش بتوانند از آن دفاع کنند. لذا آنان در شب عاشورا این کار را کردند. [۴۸] برخی بنا بر دلایلی حفر خندق از طرف همراهان امام حسین (ع) را در آن شب مردود دانسته و آن را قابل قبول ندانسته و استدلال کرده اند که اولا «کندن چنین خندقی در یک شب برای یاران امام حسین (ع) مقدور نبود و تهیه آن همه هیزم برای آتش زدن با توجه به اینکه نیزارها در کنترل نیروهایی بود که مأموریت داشتند مانع استفاده اردوی حسین (ع) از آب بشوند، امکان نداشت؛ ثانیا امام حسین (ع) می دانست در مقابل نیروهای انبوه دشمن نمی تواند چندان مقاومتی کند و سرانجام باید گفت اولا «اردوی امام فقط یک شب نبود که در محل وقوع حادثه فرود آمده بود بلکه چند روز بود لذا در چند روز کندن

خنـدق برای یاران امام حسـین (ع) امکانپـذیر بود. ثانیا بعیـد نیست که امام موقعیت محل اسـتقرار خیمه ها را در جایی انتخاب کرده باشـند که ناهمواری یا گودی در زمین بوده باشد که برای تبدیل آن به خندق به کار کمی نیاز باشد. در مورد تهیه هیزم نیز بایـد یـادآور شـد که گرچه سه روز مانـده به عـاشورا نیروهـای پانصـد نفری عمرو بن حجـاج مأموریت یافت تا بین آب و اردوی امـام حسـین (ع) حائل شونـد، [۴۹] و بـدین ترتیب مـانع تهیه هیزم از نیزارهـای کنـار رودخـانه گردیدنـد اما تهیه چنین هیزمی از خار و خاشاک صحرا مقدور بود. همچنین نفوذ موفقیت آمیز یاران امام حسین (ع) به شط فرات و آوردن آب قبل از روز عـاشورا نشـان می دهـد که تهیه هیزم نیز امکانپـذیر بوده است. مهمتر از آن در نواحی مجاور غیر از منطقه ی تحت کنترل نیروی پانصـد نفری عمرو بن حجاج نخلسـتانهایی وجود داشت که می توانست مورد اسـتفاده قرار گیرد. اما راجع به اینکه امام از برآورد تعـداد نیروهـای دو طرف حـدس می زد که بالاخره خیمه ها غارت می شود و ساکنان آن به اسارت می افتنـد، باید گفت حمیت و غیرت امام و یارانش اجازه نمی داد تا زمانی که زنده اند، خانواده شان به اسارت دشمن بیفتند، حتی بعدازظهر عاشورا که در یکی از حمله های جمعی دشـمن، شـمر به خیمه نزدیک شـد امام فرمود کمی هم صبر کن، بعـد از من خیمه ها در چنگ شماست.به هر حال تدبیر امام حسین (ع) در مورد چگونگی استقرار و محل اردو و تأمین امنیت آن بهترین تدبیر بود و روند جنگ این مدعا را به ثبوت رساند. این ترتیب استقرار خیمه ها و

کنـدن خنـدق هم از نظر روانی برای دشـمن شـکننده بود، و هم از سـرعت قلع و قمع اردوی امام می کاست؛ چنانکه بر اساس روایتی تـا نیمروز [عاشورا] نیروهای عمر بن سـعد فقط از یک طرف به آنها حمله کردنـد. موقعی هم که عمر بن سـعد دسـتور داد به خیمه ها حمله کنند و آنها را در میان گیرند، یاران امام حسـین (ع) سه و چهار نفره در میان خیمه ها رفتند و به هر کس می خواست خیمه ها را از پای در آورد و غارت کنـد، حمله می بردند و او را از نزدیک با تیر از پای در می آوردند. [۵۰] در هر حال یکی از رموز مقاومت یاران امام حسـین (ع) تا عصـر عاشورا در طرز چنین استقراری بود. شواهدی در دست است که دشـمن، بعـدازظهر عـاشورا و در اواخر جنـگ به خیمه هـا نزدیک شدنـد. حتی موقعی هم که شـمر به خیمه ها نزدیک شـد و خواست با آتش خیمه امام حسـین (ع) را بسوزاند، امام فرمود: «بگذارید بسوزاند، نمی تواند از آنجا به شـما دست یابد». [۵۱] بدین ترتیب امام حسین (ع) عالیترین مدیریت، تدوین استراتژی جنگی و شهامت و شجاعت و از خودگذشتگی را نشان داد.

نیروها و سازمان رزم

نیروهای امام حسین

گرچه تـا زمـان وقوع حادثه کربلا اعراب در اثر ارتباط با ایرانیان و رومیها از لحاظ تاکتیکهای جنگی نیز چیزهایی بر معلومات قبلی خود افزوده بودنـد امـا توجه به عـدم توازن نیروهای طرفین، آن هم با اختلاف زیاد، موجب شـده بود که این درگیری در قـالب مقررات جنگی اسـتاندارد روز نیز نگنجـد. اخبـار در مورد تعـداد یاران ابا عبـدالله الحسـین نیز متفاوت است. در ارشاد و مفید، مناقب ابن شهر آشوب تعداد

یـاران امام را ۷۲ نفر [۵۲] و یعقـوبی ۶۲ یا ۷۲ نفر آورده اسـت. [۵۳] مسـعودی تعـداد آنهـا را موقعی که اردوی امام به سوی کربلا منحرف شد ۵۰۰ نفر سـوار و ۱۰۰ نفر پیـاده ذکر کرده است که [۵۴] در منابع دیگر شاهـدی بر این مـدعا وجود ندارد. طبق روایتی از امام محمـدباقر (ع) تعداد کل سـربازان امام ۴۵ سوار و ۱۰۰ پیاده ذکر شـده است. علمای اهل سـنت این رقم را تأییـد نکرده اند. [۵۵] در کتـاب منتخب التواریـخ به نقـل از ابن طـاووس تعـداد یاران امام را موقع ورود به کربلا هزار نفر، در صورتی که تعداد شـهدا را ۷۲ نفر ذکر کرده اسـت. [۵۶] برخی از مآخذ تعداد کل شـهدا را ۹۲ نفر ذکر کرده انـد. این تعداد غیر از اهل بیت بودند. در صورت صـحت این مطلب به نظر می رسد تعداد سـرهای کسانی که معروفیت قبیله ای نداشته اند به بارگاه ابن زیاد برده نشده است، لذا رقم پایین ۷۲ شهید به دست می آید. ارقام اغراق آمیز ۲۵۰ و ۳۰۰ نفر نیز در آثار متأخران به چشم می خورد که مطمئنا صـحیح نیست.تاریخ طبری و اخبار الطوال تعداد سـرهایی را که به کوفه حمل شد، بدین صورت فهرست کرده انـد: کنـده، سـیزده؛ هوازن، بیست؛ تمیم، هفده؛ اسد، شـش؛ مذحج، هفت؛ ثقیف، دوازده؛ ازد، پنج و هفت نفر دیگر که انتسـاب قبیله ای آنهـا معلوم نیست. اختلاف ناچیزی بین فهرسـتهای این دو وجود دارد، در حالی که در تاریـخ طبری آمـده است که مدحـج هفت سـر را حمـل می کرد و نـامی از دوازده سـر ثقیف به میـان نمی آورد. در اخبار الطوال هفت سـر مذحجی حذف شده و دوازده سر متعلق به

ثقیف ذکر شده است. همچنین پنج سر هم توسط ازد گرفته شده بود. منابع دیگر هر دو را تأیید می کنند: بدین ترتیب که هفت سر متعلق به مذحج و دوازده سر متعلق به ثقیف حمل شد. لذا این ارقام تعداد کل سرهای قربانیان را ۸۷ سر نشان می دهد که به بارگاه ابن زیاد برده شدند. [۵۷] .شیخ مفید در «ارشاد»، طبرسی در «اعلام الوری» و ابن اثیر در «الکامل» نوشته اند که ۳۲ نفر آنها در شب عاشورا از اردوی ابن سعد به امام حسین (ع) ملحق شدند و ۱۷ نفر از بنی هاشم بودند، بقیه ۲۳ نفر از بستگان امام بودند و برخی از اخبار دلالت می کنند که ۷۸ نفر بودند. [۵۸] اما سید محسن الامین العاملی در کتابش به نام «امام حسن و امام حسین (ع)» فهرستی از اسامی شهدای کربلا آورده و تعداد شهدای کربلا را با ذکر اسامی آنها ۱۳۶ نفر نوشته است که در این میان چهل نفر آنان از اهل بیت امام حسین (ع) و بقیه از یاران ایشان بوده اند. [۵۹] البته قضاوت در صحت این آمار و ارقام کاری مشکل است چون این روایات مختلف برخی از منابع اصیلند و با استفاده از همین اطلاعات در همین حد می توان نظر داد که رقم کمتر از۷۲ نفر و بیشتر از ۱۵۰ نفر در منابع اصیل نیامده است.در مورد چگونگی سازماندهی آنان برای رزم در صبح عاشورا یک نظر متقن این است که امام (ع) سی و دو نفر سواره را در جناح راست به فرماندهی زهیر بن قین، چهل نفر از نیروهای پیاده را به فرماندهی حبیب بن مظاهر در جناح چپ قرار داد

و پرچم را به دست برادرش عباس سپرد. [۶۰] این در حالی است که در کتاب پر از جعلیات و تحریفات مقتل ابی مخنف موجود نوشته است: «امام حسین (ع)... زهیر بن قین را با ۲۰ سواره در طرف راست و هلال بن نافع را با ۲۰ سواره در طرف چپ قرار داد و خود با باقی اصحابش در وسط ماندند». [۶۱] بنابراین هم در چگونگی سازماندهی و هم در فرماندهان آنها بین منابع اولی و مقتل منتسب به ابی مخنف تفاوت زیادی وجود دارد. این در حالی است که در منابع اولی به اصل مقتل ابی مخنف دسترسی داشته و از آن استفاده کرده اند. توضیح این نکته لازم است که امام حسین (ع) شجاعترین، قویترین، با تجربه ترین و کاری ترین یارانش را در رأس نیروهایش قرار داد و یاران امام هم از نظر ترکیب سنی که از مسلم بن عوسجه هفتاد ساله تا قاسم بن حسن چهارده ساله در بینشان بود [۶۲] و هم از نظر ترکیب قبیله ای جالب توجه بودند و از قبائل مختلف عرب گرفته تا ترک و بنا به نظری تعدادی ایرانی بودند که خود جای بحث دارد.ادعایی نیز وجود دارد که به نقل از نعمان بن ابی عبدالله آورده شده است «ایرانیانی که در دهم محرم خود را به امام حسین (ع) رسانیدند ۲۵ نفر بودند» و افزوده شده است که ابن براج نیز این روایت را تأیید می کند که این تعداد از ایرانیان از کوفه حرکت کرده و به یاران امام پیوسته اند. این ادعا توسط تاریخ طبری، ارشاد مفید، اخبار الطوال، فتوح ابن اعثم و سایر منابع تأیید شده است و با توجه به

تدابیری که عبیدالله در کنترل راه های ورود و خروج کوفه و از قطقطانه تا قادسیه و کربلا اندیشیده و نیروهایی را مستقر کرده بود این ادعا به هیچ وجه پذیرفته نیست و حتی موقعی که حبیب بن مظاهر با اجازه امام حسین (ع) به میان قبیله بنی اسد رفت تا نیروی کمکی بیاورد، عمرسعد تعدادی نیرو فرستاد تا آنها را پراکنده کرده یا کشتند که این اقدام نیز حاکی از حساسیت دشمن برای جلوگیری از افزایش تعداد یاران امام است. همچنین برخی مدعیند که در صبح عاشورا سی تن از نیروهای عمر بن سعد به همراه حر بن یزید ریاحی به جمع یاران امام پیوستند، در صورتی که منابع اصیل فقط به پیوستن حر پسرش، برادرش و غلامش اشاره کرده اند. همچینن در فهرستی که امین العاملی از شهدای کربلا تهیه کرده اسامی ایرانیان وجود ندارد.

نیروهای عمر بن سعد

راجع به تعداد نیروها، چگونگی اعزام آنها به کربلا و تعداد کشته های نیروهای عمر بن سعد نیز آمار و ارقام متفاوتی ارائه شده است. طبری تعداد کل آنها را با احتساب هزار نفر نیروهای حر و ۴ هزار نفر نیروهای عمر بن سعد و ۴۰۰۰ نیروهای حصین بن نمیر که قبلا به قادسیه فرستاده شده بودند، ۹ هزار نفر می داند و در ارشاد شیخ مفید و اخبار الطوال نیز همین رقم ذکر شده است. [۶۳] شاید تعداد نیروهایی که از کوفه اعزام می شدند بیشتر از آن تعدادی باشد که به کربلا می رسید، چون هم در تاریخ طبری، هم در اخبار الطوال و ارشاد مفید آمده است که از تعداد دسته های هزار نفری فقط چهارصد نفر به نخیله محل تجمع نیروهای عبیدالله

بن زیاد می رسیدند و بقیه در بین راه متواری می شدند چون از جنگ با امام حسین (ع) تنفر داشتند. در بحارالانوار، تعداد کل نیروهای عمر بن سعد دوازده هزار نفر برآورده شده است. بدین ترتیب که «عمر بن سعد در رأس ۴ هزار نفر، عبدالله بن حصین بن تمیمی، با هزار سوار و به دنبال آن شبث بن ربعی با هزار سوار دیگر و محمد بن اشعث بن قیس الکندی با هزار سوار از نخیله به کربلا راه افتادند. این نیروها به دستور عبیدالله تحت امر عمر بن سعد بودند. سپس شمر بن ذی الجوشن با چهار هزار نفر به کربلا اعزام شد». [۶۴] البته اگر تعداد چهار هزار نفر حصین بن نمیر که در قادسیه برای کنترل راه ها و مناطق مجاور کوفه و بصره گمارده شده بودند و تعداد هزار نفری که با حر بن یزید به رویارویی اردوی امام حسین (ع) اعزام شدند را در نظر بگیریم ۱۷ هزار نفر می شود. همچنین ارقام ۱۴ هزار، ۲۲ هزار، ۳۰ و ۳۲ هزار نیز نوشته اند. [۶۵] .در مقتل موجود ابی مخنف که محدث نوری آن را مقتل تحریف شده و مشحون از جعلیات و اکاذیب معرفی می کند، تعداد کل لشکریان عمر بن سعد را هشتاد هزار نفر نوشته که همه از اهل کوفه بودند و شامی و حجازی در بینشان نبود و عمر بن سعد، زیاد بن شبث ربعی، سنان بن انس در رأس این نیروها قرار داشتند. [۶۶] .محدث نوری در کتاب «لؤلو و مرجان» درباره ی مقتل ابی مخنف می نویسد: «ابومخنف لوط بن یحیی از بزرگان محدثین و معتمد ارباب سیر و تواریخ است و مقتل

او در نهایت اعتبار چنانکه از نقل اعاظم علمای قدیم از آن و از سایر مؤلفاتش معلوم می شود، لکن افسوس که اصل مقتل بی عیب او در دست نیست و این مقتل موجود که به او نسبت دهند، مشتمل است بر بعضی مطالب منکره مخالف اصول مذهب و البته آن را اعادی و جهال به جهت پاره ای از اغراض داخل کردند و از این جهت از حد اعتبار و اعتماد بر منفردات آن هیچ وثوقی نیست». [۶۷] .همچنین برخی از ارقام محیر العقولی نیز ارائه شده و تعداد نیروهای عمرسعد را به پانصد هزار و ششصد هزار تن سوار با دو کرور پیاده نیز رسانده اند [۶۸] که از تحریفات آشکاری است که نه منابع اصلی و فرعی به آن اشاره کرده اند و نه عقلا «قابل قبول است و نه نیازی به بسیج این نیرو بود. محدث نوری این تحریفات را از کتاب «اسرار الشهاده» یافته و منظور نویسنده آن را که سید روضه خوانی بود چنین بیان می کند که «برای جماعت روضه خوان میدانی وسیع مهیا شود». [۶۹] .بنابراین در میان آمار و ارقام ارائه شده از تعداد نیروهای اموی تا ۳۲ هزار نفر معقول و پذیرفتنی است گرچه اعزام این مقدار نیرو برای مقابله با تعداد حدود صد نفر از یاران امام باز هم جای سؤال دارد که چرا این همه نیرو فرستاده شد، شاید بتوان دلیل آن را پیشامدهایی نظیر استقبال وسیع مردم کوفه از عبیدالله موقعی که وی به کوفه آمد و مردم تصور کردند امام حسین (ع) است، حمله به دارالاماره به رهبری مسلم بن عقیل و محاصره آن توسط قبیله مذحج برای نجات

هانی بن عروه دانست که این گونه پیشامدها عبیدالله را هوشیار و آگاه ساخته بود که احتمال فراوان دارد مردم کوفه به کمک امام حسین (ع) بشتابند لذا این همه نیرو را برای مقابله با خطرات احتمالی دیگر بسیج کرده بود. همچنین در بصره انجمنهایی به طرفداری از امام حسین (ع) تشکیل شده بود و نامه ای هم از سوی امام حسین (ع) برای بعضی از رؤسای بصره نوشته شده و از آنان کمک خواسته بود که در بصره به دست عبیدالله افتاده بود. [۷۰] .در هر حال در صبح عاشورای سال ۶۱ ه. ق عمر بن سعد نیروهایش را در مقابل اردوی کوچک امام حسین (ع) برای رزم سازمان داد و آنان را در دو جناح راست و چپ به ترتیب به فرماندهی عمرو بن حجاج زبیدی و شمر بن ذی الجوشن آرایش داد و برای سواره نظام و پیادگان فرماندهان جداگانه ای را گماشت که به ترتیب عبارت بودند از عزره بن قیس احمسی و شبث بن ربعی یربوعی و پرچم را به غلامش ذوید سپرد. در زیر مجموعه ی این سازماندهی کلی بافت قبیله ای محفوظ ماند و هر قبیله ای به صورت یک واحد رزمی مستقل تحت امر رئیسش آماده جنگ شد. در رأس مذحج و اسدیان کوفه عبدالرحمن بن ابی سبره، در رأس ربیعه و کنده قیس بن اشعث، در رأس مردم تمیم و همدان حر بن یزید ریاحی قرار داشتند. [۷۱] .لازم به توضیح است که سه روز قبل از این سازماندهی تعداد پانصد نفر از نیروهای عمر بن سعد به دستور عبیدالله برای بستن شریعه فرات اعزم شده بودند تا مانع استفاده اردوی

امـام حسـین (ع) از آب باشـند و فرمانـده آنان عمر بن حجاج بود. در کتاب منتخب التواریـخ به نقل از بحار تعـداد آن نیرو را چهار هزار نفر نوشته است که چنین رقمی در بحار وجود ندارد. [۷۲] منابع نیز غیر از رقم پانصد نفر ارقام دیگری در این مورد ارائه نداده اند.نکته دیگری که باید بدان پرداخت تعداد تلفات نیروهای عمر بن سعد است که در این زمینه نیز اخبار و روایات متفاوتی موجود است. برخی آمار و ارقام ذکر کرده و برخی نیز در ایجاد پشته هایی از کشته های نیروهای عمر بن سعد اشاره کرده انـد. در بحار تعداد کشـته های آنها را ۱۸۲ نفر [۷۳] آورده است در صورتی که در کتـاب «اثبات الوصـیه ی» مسـعودی ۱۸۰۰ نفر، ابن شـهر آشوب در «مناقب» تعداد کسانی را که به دست امام حسـین (ع) کشـته شدند ۳۰ هزار و تعـدادی را که به دست عباس (ع) کشـته شدنـد ۲۵ هزار و تعـداد کشـته هـای سایر یاران امام حسـین (ع) را ۲۵ هزار نفر نوشـته اسـت. [۷۴] در روضه الشـهدای کاشـفی تعداد کشـته های افراد عمر بن سعد [۷۵] را هزاران نفر نوشـته است که یـا در اثر تیرانـدازی و یـا در جنگهای دسته جمعی و انفرادی کشته شده اند.گرچه از جان گذشـتگی و شجاعت و ایمان یاران حسین (ع) توان فوق العاده ای به آنـان داده بود و تمام منابع بر روحیه قوی و شـهادت طلبانه آنان مهر تأییـد می زننـد و در عرصه نبرد نیز رزم جوانمردانه آنان را گزارش می دهند. اما ارقامی که در آن خبر از کشـته های هزار و هزاران نفره از دشـمن می دهند، غیرواقعی و ناممکن است.

آب و حوادث پیرامون آن

یکی از محورهای حوادث کربلا، آب

است که سبب اهمیت فراوان آن در این منطقه، ابن زیاد آن را اهرم فشار و ابزاری برای انتقامجویی قرار داد. وی برای واداشتن امام حسین (ع) و یارانش به تسلیم و بیعت با یزید و نیز گرفتن انتقام عثمان بن عفان به عمر بن سعد دستور داد مانع استفاده آنان از آب شود و او نیز به سرعت نیروی پانصد نفره ای را به فرماندهی عمرو بن حجاج برای بستن آب به روی یاران امام گسیل کرد [۷۶] و بدین ترتیب رذیلانه ترین اعمال را در تاریخ از خود به یادگار گذاشت. وقتی تشنگی بر حسین و یارانش غلبه کرد، آن حضرت به عباس بن علی (ع) فرمود تا به همراه سی نفر سواره و تعدادی پیاده با مشکهایی برای آوردن آب بروند و هر کس مانع ایشان شد با آنان بجنگند. عباس (ع) و یارانش به راه افتادند، در حالی که نافع بن هلال پیشاپیش آنها در حرکت بود تا اینکه به نزدیک فرات رسیدند. به محض نزدیک شدن، پیادگان مشکها را پر کردند. عمرو بن حجاج وقتی خواست مانع آنان شود، عباس (ع) با همراهان خود با آنان جنگیدند و آنان را کنار زدند تا پیادگان مشکها را پر از آب کردند و در حالی که عباس (ع) مشغول درگیری بود آنان آب را به اردوی امام رساندند. [۷۷] .دومین و آخرین تلاش امام حسین (ع) برای برداشتن آب از شط فرات زمانی بود که تشنگی بر امام و یارانش سخت شد و ایشان به تهیه آب اقدام کردند. بر اساس برخی روایات امام به تنهایی اقدام به تهیه آب کرد و بر اساس برخی

دیگر به همراه عباس (ع) برادرش بـدین کار اقدام کرد. برخی به کندن چاه اشاره کرده اند که لازم است قدری بیشتر راجع به این روایات تأمل کنیم.شـیخ مفیـد در ارشاد نوشـته است وقتی تشـنگی بر امام و یارانش غلبه کرد سوار بر شتر مسـناه شـد و به سوی فرات به راه افتـاد و برادرش عباس (ع) نیز همراه او بود [۷۸] و سواران لشـکر عمرسعد سر راه آنان را گرفتند و عباس را از امام جدا کردند و پس از نبردهایی به شـهادت رسانیدند و تیری نیز به امام اصابت کرد. [۷۹] اما در تاریخ طبری به همراهی و نقش عباس (ع) در این جریان اشاره نشـده است، اما به تیراندازی حصـین بن نمیر به ایشان توجه داشـته است. [۸۰] در نفس المهموم آورده است هنگامی که حضـرت ابوالفضل برای آوردن آب به لشکر دشمن در شریعه هجوم آورد و درگیر شد تا به شهادت رسـید، امام حسـین (ع) در حدود خیام محافظت اهل حرم را می کرد. [۸۱] بنـابراین ملاحظه می شود که راجع به تنها رفتن یکی از این دو برادر برای آوردن آب یـا بـا هم رفتن آنها دو نظر متفاوت وجود دارد.در این راسـتا نکته حائز اهمیت این است که هیچکـدام از این منابع به مسأله کنـدن چاه اشاره ای نکرده اند. در حالی که در مقتل موجود ابی مخنف آورده اسـت که امام و برادرش قبل از اینکه برای آوردن آب به طرف فرات حرکت کننـد، امام حسـین (ع) به عباس (ع) فرمود «برادر، اهل بیت را جمع کرده، چاهی بکنید، آنها نیز چنین کردند، ولی در آن آبی نیافتند». [۸۲] اما راجع به این

خبر نه تنها در منابعی که از روایات مقتل اصلی ابی مخنف استفاده کرده انـد نظیر تاریـخ طبری، ارشاد مفید و اخبار الطوال و دیگران حرفی به میان نیاورده اند، بلکه عقل و منطق نیز صحت چنین گزارشی را نمی پذیرد که در بحبوحه ی جنگ اقدام به کـار دشواری مثـل کنـدن چـاه بکننـد که نتیجه آن نیز نـامعلوم است.اما در مورد رجزخوانی و درگیریهای عباس (ع) در مقتل کنونی به رجزخوانی ایشـان پرداخته که در منـابع دیگر خیلی مختصـرتر از آن است و در برخی از نوشـته ها یک تصویر افسانه ای از جثه و هیکل عباس (ع) و جنگهای وی بـدون نشان دادن مأخذ ارائه داده است. در روضه الشـهدای کاشـفی نیز تصویری از استیصـال و نومیـدی اردوی امـام حسـین (ع) در این لحظـات ارائه داده که اغراقـات زیـادی دارد. ابن طـاووس در «اللهوف» تصویر واقع بینـانه ای ارائه می دهـد که با منـدرجات سایر منابع منطبق است؛ وی می نویسـد:«تشـنگی حسـین به نهایت سـختی رسـید، پس بر فراز سـد آب برآمـد تـا داخـل فرات شـود و برادرش عبـاس نیز پیشـاپیش آن حضـرت بـود، سـربازان ابن سـعد جلوگیری نمودنـد و مردمی از قبیله دارم تیری به سوی امـام حسـین (ع) پرتاب نمود. تیر به زیر چانه آن حضـرت جای گرفت. امام حسـین (ع) تیر را بیرون کشـید و هر دو دست را به زیر خون گرفت تا کفشـهایش پر خون شد، سـپس خون را به آسـمان پاشـید و عرض کردم بـار الها شـکایت رفتاری را که با فرزنـد دختر پیغمبرت می شود به پیشـگاه تو می کنم. سـپس سـربازان، عباس را از امام حسین (ع) جدا کردند و گرداگردش را گرفتند تا آنکه شهیدش کردند.» [۸۳] .اما

راجع به جریان مأموریت دوم عباس (ع) برای آوردن آب، نکته دیگری نیز مطرح است که جای بحث دارد. در کتاب «کبریت الاحمر فی شرایط منبر» و در روضه الشهدا آمده است که حضرت عباس پس از اینکه لشکریان ابن سعد را موعظه کرد، به خدمت برادر رسید و عرض کرد که «رفتم و نصیحت کردم این قوم را و به ایشان گفتم که فرزند رسول خدا می فرماید که اصحاب مرا کشتید و برادران و بنی عم مرا و اطفال من از شدت تشنگی دلهاشان سوخته است و نزدیک است هلاک شوند، یک شربت آبی بدهید که هلاک نشوند و دیگر آنکه برادرم می فرماید که مرا بگذارید تا باقیمانده عیال خود را بردارم و بروم به روم و هند و حجاز و عراق را به شما گذارم». [۸۴] این روایت در منابع دیگر نظیر تاریخ طبری، ارشاد مفید بدین صورت تأیید نشده است، اما آورده اند که امام فرمود مرا واگذارید تا در این زمین فراخ هر جا خواهم بروم.

تحریفات رویدادهای نظامی

اما درباره ی تحریفات مربوط به رویدادهای نظامی عاشورا غیر از آمار و ارقام، یادآوری نکات ذیل ضروری است:۱- پس از رفتن علی اکبر به میدان و بازگشتن وی، امام به مادرش لیلی فرمود برخیز و برو و برای فرزندت دعا کن که من از جدم شنیدم فرمود: دعای مادر در حق فرزند مستجاب می شود. حضرت زینب در حالت احتضار امام به بالین ایشان آمد و «حضرت با گوشه چشم به وی نگاهی انداخت و فرمود: به خیمه بازگرد که دلم را شکستی و غمم را افزودی». [۱۰۴] .۲- در کتاب «محرق القلوب» آخوند ملا مهدی نراقی آمده است «چون

بعضـی از یاران به جنگ رفته شـهید شدنـد، ناگاه از میان بیابان سواری مکمل و مسـلح پیـدا شـد، مرکبی کوه پیکر سوار بود، خود عـادی فولاد بر سـر نهاده و سپر مـدور بر سـر کتف در آورده و تیغ یمانی جوهردار چون برق لامع حمایل کرده و نیزه ی هیجـده زرعی (!) در دست گرفت و سایر اسـباب حرب را بر خود آراسـته کالبرق اللامع و البدر الساطع به میان میدان رسـید و بعد از طرید و جولان روی به سـپاه مخالفت کرد و گفت هر که مرا نشـناسد بشـناسد: منم هاشم بن عقبه بن ابی وقاص پسرعم عمرسـعد. پس روی به امام حسـین (ع) کرد و گفت: السلام و علیک یا ابا عبدالله اگر پسرعمم عمرسعد...»این مطالب در منابع اصـلی وجود ندارد و چنانکه محدث نوری در لؤلؤ مرجان بدان توجه داشـته در زمره ی تحریفات و اکاذیبی است که نویسنده کتاب به وجود آورده است. [۱۰۵] .

روند درگیریها و مراحل آن

اشاره

رونـد این واقعه و چگونگی نبردهـای روز عـاشورا نیز در منـابع، یکسـان منعکس نشـده است. برخی فقـط به نبردهای انفرادی پرداخته و برخی دیگر به مجمـوعه ی درگیریهـا تـوجه داشـته انـد. همچنین ترتیب تقـدم و تـأخر اعزام افراد برای جنگهـا نیز با تفاوت گزارش شـده است. در فتوح ابن اعثم، اللهوف، بحارالانوار و روضه الشـهدا حر را اولین رزمنـده ی اردوی امام حسـین (ع) در جنگ انفرادی دانسـته انـد در صورتی که در ارشاد مفیـد و تاریـخ طبری عبـدالله بن عمیر کلبی را آورده اند. [۸۵] .در بحارالانوار، به نبرد ۱۳ تن از یـاران امام اشارت رفته است که موفق شدنـد ۱۸۲ تن از دشـمن را بکشـند و خود نیز به شهادت رسیدند. ابن اعثم به

نبرد ۳۶ تن از یاران امام حسین (ع) پرداخته است که ضمن کشتن تعداد زیادی از دشمن خود نیز به شهادت رسیده اند. [۸۶] البته در این منابع بطور همه جانبه به این نبرد نپرداخته اند و فقط نبردهای انفرادی را برجسته کرده اند در صورتی که نبردهای روز عاشورا ترکیبی از نیروهای انفرادی و اجتماعی با سواره نظام و پیاده و تیراندازان بوده است که در تاریخ طبری و ارشاد مفید تصویر جالبی از آن ارائه شده است.

نبردهای پیش از ظهر

در اولین مرحله نبرد پس از تیراندازی عمرسعد و یارانش، یسار غلام ابن زیاد با عبدالله بن عمیر درگیر شد که در این پیکار یسار کشته شد. سالم غلام دیگر ابن زیاد که به کمک یسار شتافته بود، گرچه ضربتی به دست چپ عبدالله زد اما به دست وی کشته شد؛ [۸۷] لذا عمرو بن حجاج با لشکریانش (سواره نظام) به میمنه اردوی امام حسین (ع) حمله کرد که آنان سر زانو نشسته و نیزه به سوی آنها دراز کردند، در نتیجه سواره نظام مهاجم عقب نشسته و به تیراندازی پرداختند و تعدادی از یاران امام حسین (ع) را به شهادت رساندند. [۸۸] .در مرحله دوم پس از اینکه عبدالله بن حوزه به فحاشی و ناسزاگویی امام حسین(ع) پرداخت و توسط ایشان نفرین شد؛ در حالی که با اسب چموشش می خواست به امام حمله کند در نهری افتاد و مسلم بن عوسجه او را کشت، جنگ عمومی رخ داد و از طرفین تعدادی کشته شدند. [۸۹] .در مرحله سوم نبردهای انفرادی دوباره شروع شد و به نوشته ی طبری بریر بن حضیر از اردوی عمرسعد و یزید بن معقل از یاران امام

حسین (ع) پس از مباهله هر کدام ضربتی به هم زدند. ضربه سبک یزید بن معقل برطرف مقابل کارا نبود اما ضربت بریر کلاه خود دشمن را شکافت و به مغز رسید و او را از پای در آورد که از اسب افتاد. سپس رضی بن منقذ عبدی به بریر حمله کرد که خود کشته شد. در این حالت کعب بن جابر بن عمرو به بریر حمله کرد و نیزه ای بر پشت وی زد اما بریر بر او جست و چهره اش را گاز گرفت و یک طرف بینی اش را کند اما کعب بن جابر به بریر ضربتی زد و او را انداخت و با ضربات دیگری او را کشت. [۹۰] دومین نبرد انفرادی این مرحله با حمله حر بن یزید به لشکر عمرسعد شروع شد. وی مردی از بنی حارث را که جلو وی آمده بود کشت. طبری به نقل از ابوزهیر عبسی نام این فرد را از زید بن سفیان نوشته است که قبلا «آرزوی جنگ با حر را کرده بود. سومین نبرد انفرادی این مرحله بین نافع بن هلال از یاران امام حسین (ع) با مزاحم بن حریث بود که دومی به راحتی کشته شد. [۹۱] .در چهارمین مرحله پس از اینکه عمر بن سعد از نبردهای انفرادی نتیجه نامطلوبی گرفت به پیشنهاد عمرو بن حجاج به نبرد جمعی پرداخت لذا عمرو بن حجاج در رأس جناح راست نیروهای عمرسعد از جانب فرات به یاران امام حسین (ع) حمله کرد و نبرد، ساعتی ادامه یافت و پس از اینکه گرد و غبار آن فرونشست، مسلم بن عوسجه را بر زمین افتاده یافتند. سپس شمر

بن ذی الجوشن با جناح چپ نیروهای عمر بن سعد به جناح چپ اردوی امام حسین (ع) حمله کرد و پس از نبرد سختی تلفات زیادی بر نیروهای مهاجم وارد آمد و از یاران امام حسین (ع) تنها یک نفر به شهادت رسید. [۹۲] زبیدی در توصیف نبرد خوب یاران امام حسین (ع) می گوید «سخت جنگیدند سوارانشان حمله آغاز کردند، همگی سی و دو سوار بودند و از هر طرف که به سپاه کوفه حمله می بردند آن را عقب می زدند و چون عزره بن قیس که سالار سواران اهل کوفه بود، دید که سواران وی از هر سو عقب می روند، عبدالرحمن بن حصین را پیش عمر بن سعد فرستاد و گفت: «مگر نمی بینی سواران من در اول روز از این گروه اندک چه می کشند، پیادگان و تیراندازان را به مقابله آنها فرست». [۹۳] .پنجمین مرحله نبرد چنین انجام یافت که «عمر بن سعد، حصین بن نمیر را پیش خواند و سوارانی را که اسبانشان زره داشت [را] با پانصد تیرانداز با وی فرستاد که بیامدند و چون نزدیک امام حسین (ع) و یارانش رسیدند، تیربارانشان کردند و چیزی نگذشت که اسبانشان را پی کردند و همگی پیاده ماندند». در این مرحله از جنگ بود که اسب حر کشته شد و خود وی تیر خورد و سپس مثل تمام یاران امام حسین (ع) پیاده جنگید. در این تهاجم دو نفر از یاران امام حسین (ع) یعنی ایوب بن مسرح و یک سوار کوفی شهید شدند و تعدادی نیز مجروح شدند. [۹۴] .در ششمین مرحله، نبرد انفرادی انجام گرفت و حصین بن نمیر با حبیب بن مظاهر

رویارو شـد. حبیب با ضـربت شمشـیر بر صورت اسب وی زد و اسب روی پا بلنـد شـد و سوار را بینداخت. یاران حصـین او را بردنـد. حبیب بعد از رجزخوانی به جنگ خود ادامه داد و جنگ سـختی کرد و در نهایت مورد حمله یکی از افراد دشـمن قرار گرفت و ضربتی بر سرش وارد شد، دو نفر دیگر پیاپی بر وی ضربت زدند و او را به شهادت رساندند. [۹۵] .در هفتمین مرحله شمر با یارانش پیش آمد و زهیر بن قین با ده نفر از یارانش که گویا حر نیز در بین آنان بود با دشـمن به شدت درگیر شدند و ضمن وارد کردن تلفات بر دشـمن و زیاد کردن تعـداد کشـته های آنها به رانـدنشان از کنار خیمه ها موفق شدنـد. در این نبرد تعدادی از یاران زهیر بن قین به شهادت رسید از جمله حر. [۹۶] .

نبردهای بعد از ظهر

مرحله اول: طبری به داسـتان ادامه ی نبرد زهیر بن قین که بعدازظهر روی داد پرداخته است. بعد از اینکه امام، نماز ظهر و نماز خوف را اقـامه می کرد در حـالی که یکی از یـارانش خود را در مقابـل تیرهایی که به امام انـداخته می شـد سپر بلا کرد و در نهایت شهید شد. زهیر بن قین به شدت جنگید و در نهایت مورد حمله ی کثیر بن عبدالله شعبی و مهاجر بن اوس قرار گرفت و شهید شد. [۹۷] همچنین به جنگ نافع بن هلال که دوازده تن از دشـمن را با تیرهایش کشت و سـپس به شـهادت رسید اشاره کرده است.مرحله دوم: شمر پس از خواندن رجز دست به حمله جمعی زد لذا وقتی یاران امام دیدند

که دشـمن زیاد شد و نمی توانند از خودشان و از امام حسین (ع) دفاع کنند به رقابت برخواستند و پنج تن از یاران امام حسین (ع) نیز با اجازه امام به مقابله دشمن شتافتند و جنگیدند تا شهید شدند. [۹۸] سپس عابس بن ابی شبیب شاکری و شودب غلام وی به نبرد پرداختند، جنگیدند تا کشـته شدند و سایر یاران امام نیز یک یک جنگیدند و پس از کشتن تعدادی از دشمن خود نیز کشـته شدند. [۹۹] در این مرحله از نـبرد بـود که ضـحاک بن عبـدالله مشـرقی پس از کسب اجـازه از امـام سواره به جنگ دشـمن رفته و در اثنای جنگ مورد تشویق امام نیز قرار گرفت و سپس به انبوه دشمن تاخت و راهی برایش باز شد و در حالی که پـانزده تن از افراد دشـمن او را تعقیب می کردنـد سه نفر از آنـان بـا وی خویشـی داشـتند که مانع قتل وی شدنـد. وی این داسـتان را خود نقل کرده است. [۱۰۰] نیز یکی از یاران امام حسـین (ع) به نام ابوالشـعثای کنـدی که تیرانداز ماهری بود پیش روی امـام حسـین (ع) زانو زد و یک صـد تیر انـداخت که غیر از پنـج تیر بقیه به هـدف خورد. وی در زمره ی کسانی بود که صبح عاشورا از لشـکریان عمرسـعد به یاران امام حسـین (ع) پیوسـته بود وی نیز جنگید تا به شهادت رسید.مرحله سوم: در این مرحله از نبردهای روز عاشورا اهل بیت امام حسـین (ع) به ترتیب جنگیدنـد. ابتدا علی بن حسـین (ع) چند بار بر دشـمن حمله کرد و در نهایت مره بن منفذ عبدی با نیزه او را زد و

به زمین انداخت، سپس با ضربات شمشیرهای دشمن به شهادت رسید. [۱۰۱] بعد عبدالله بن مسلم به میدان رفت که مورد اصابت تیر دشمن قرار گرفت و سپس با ضربت نیزه به شهادت رسید. عون، محمد، عبدالله و عثمان بن خالد و عبدالرحمن بن عقیل نیز به ترتیب جنگیدید تا به شهادت رسیدند. بعد قاسم بن حسن (ع)، عبدالله بن حسین (ع)، ابوبکر بن حسن بن علی به میدان رفتند که عمدتا با تیرهای دشمن به شهادت رسیدند. سپس برادران عباس یعنی عبدالله، جعفر، عثمان به ترتیب جنگیدند تا به شهادت رسیدند. [۱۰۲] .مرحله چهارم: این مرحله، دشمن دست به حمله جمعی به یاران امام حسین (ع) زد و بقیه ی یاران امام حسین (ع) را پس از نبردی به شهادت رساندند. در اینجا بود که تشنگی بر اردوی امام حسین (ع) غلبه کرد و امام به همراه برادرش عباس برای آوردن آب به شط فرات حمله بردند که پس از نبردی سنگین عباس (ع) به شهادت رسید. امام در حالی که به تنهایی به جنگ با دشمن ادامه می داد، عبدالله بن حسن (ع) به پیش وی رفت و با ضربت شمشیر ابحر بن کعب شهید شد. بالاخره نبرد امام با دشمن ادامه یافت تا اینکه ایشان را هم به شهادت رساندند. [۱۰۳] .

نتیجه

در این مجموعه، هر چند ناقص و نارسا، به ابعاد نظامی واقعه عاشورا پرداخته شد، اما نکاتی به دست آمد که تفاوتهایی بین مندرجات منابع اصلی و برخی تحقیقات را نشان می دهد که عبارتند از:۱- موقعی که اردوی هزار نفری حر در قطقطانه به نزدیک اردوی امام حسین (ع) رسید، امام دستور

دادند که یارانش به سیراب کردن آنان و اسبانشان بپردازند. یکی از نویسندگان آورده است که این اقدام مانع درگیری شد اما منابع گزارش می دهند که حر اصلا چنین مأموریتی نداشت.۲- عبیدالله بن زیاد تا آخرین لحظات درگیری روز عاشورا استراتژی تسلیم و بیعت امام حسین (ع) را در پیش گرفته بود و در مرحله بعد جنگ را، که در منابع معتبر چنین منعکس شده، در صورتی که برخی بر این باورند که او از اول قصد جنگ و کشتار را داشت. لازم به یادآوری است که ارزش و اهمیت بیعت و تسلیم امام از لحاظ سیاسی برای دستگاه جبار بنی امیه بیشتر از قتل عام امام حسین (ع) و یارانش بود، و استراتژی امام حسین (ع) در مقابل دو راه موجود، یعنی شهادت یا بیعت، شهادت بود. این در حالی است که برخی سخن از پیشنهاد امام به بیعت و مذاکره با یزید را به میان آورده اند که یقینا خطا و اشتباه است و منابع اصیل چنین مسأله ای را تأیید نمی کنند.۳- آمار و ارقام در مورد تعداد نیروهای طرفین و تعداد شهدای اردوی امام حسین (ع) و کشته های نیروهای عمر بن سعد فراوان و متفاوت است. راجع به تعداد یاران امام حسین (ع) و شهدا از تعداد ۶۲ نفر تا ۳۰۰ نفر آورده اند که روایات معتبر تعداد ۷۲ تا ۱۵۰ نفر را تأیید می کنند. راجع به شهدا نیز همینطور. اما راجع به تعداد نیروهای عمر بن سعد ارقام از پنج هزار نفر تا بیش از ششصد هزار نفر است که رقم ۹ هزار نفر تا ۳۲ هزار نفر اغراق آمیز نیست و مشترکات منابع معتبر از

این لحاظ زیاد است، اما ارقام بیش از آن در زمره ی تحریفات و جعلیات است که در متن مقاله بدان پرداخته شد. در مورد تعداد کشته های اردوی عمر بن سعد از رقم هشتاد و هفت تا سی صد و چهل پنج هزار نفر آورده اند که در مورد رقم ۸۷ تا ۱۸۰ نفر مورد تأیید منابع و بقیه اغراق آمیز و نادرست و ساختگی است. برخی نیز از واژه های «از کشته پشته ساخت» و هزاران نفر کشتن در بیان رویدادها به میان آورده اند که واژه های ناصحیح و اغراق آمیزی است.۴- برخی به صحت روایت کندن خندق پشت خیمه ها و آتش زدن هیزمها ایراد گرفته اند با این استدلال که در یک شب انجام چنین کاری ناممکن بود و تهیه هیزم نیز چون نیزارها از سه روز قبل در کنترل دشمن بود میسر نبود. در جواب آن باید گفت اولا «اردوی امام روزها بود که در نینوا مستقر بودند و در این چند روز امکان حفر خندق وجود داشت و به احتمال زیاد، امام محل استقرار اردوی خود را در جایی انتخاب کرده بود که عوارض طبیعی نظیر گودال و ناهمواری زمین وجود داشته باشد که تبدل آن به خندق به کار و وقت کمی نیاز داشته باشد، در مورد هیزم نیز از نخلستانها استفاده کرده اند. اما راجع به تلی که بین خیمه ها و میدان جنگ وجود داشته، هیچ قرینه ای در منابع نیست و صحت ندارد.۵- در حالی که منابع اصلی با استناد به روایات قوی، تصویر واقعگرایانه ای از روند حوادث و درگیریهای روز عاشورا ارائه می دهند، برخی تحقیقات آنقدر با طول و تفصیل به این قضایا پرداخته اند که حکایت

روزها و هفته ها جنگ می شود و تصویر افسانه ای از برخی قهرمانان این روز ساخته اند که باید در زمره ی تحریفات به شمار آید.۶- درباره ترتیب اعزام افراد از دو طرف برای جنگهای انفرادی تفاوتهایی در دو گروه از منابع وجود دارد و در تاریخ طبری و ارشاد شیخ مفید به مراحل مختلف نبر اعم نبردهای انفرادی و نبردهای جمعی پرداخته اند که مشترکات زیادی با هم دارند و تصویر واضح و روشنی از رویدادهای این روز ارائه داده اند.و السلام

پاورقی

[۱] محمد بن جریر طبری: تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۷، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲، ص ۲۹۹۰.

[۲] همان، ص ۲۹۹۳.

[۳] همان، ص ۲۹۹۱ – محمد بن محمد بن لقمان ملقب به مفید (مستوفی ۴۱۳ ق)؛ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد ج ۲، ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه ی اسلامیه، چاپ دوم، تهران، بی تا، ص ۸۰ – شیخ عباس قمی؛ نفس المهموم ترجمه باقر کمره ای، انتشارات مسجد مقدس صاحب الزمان چاپ سوم، قم ۱۳۷۲، ص ۲۳۳.

[۴] عبدالرزاق موسوی مقرم؛ مقتل الحسین او حدیث کربلا؛ مکتبه بصیرتی الطبعه الخامسه قم ۱۳۹۴، ص ۲۱۶ – طبری، همان، ص ۲۹۹۲ – احمد بن داوود دینوری؛ اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۹۶ – به شیخ مفید؛ همان، ص ۸۱ – ابن سعد وقتی با سپاه چهار هزار نفری به نینوا رسید در بین سپاهیانش از بزرگانی که به امام حسین (ع) نامه نوشته بودند، خواست که پیش وی بروند و از او بپرسند که برای چه کاری آمده است که آنها شرم کرده، رفتند. طبری؛

همان، ج ۷، ص ۳۰۰۳.

[۵] طبری، همان، ص ۲۹۹۴.

[۶] شیخ عباس قمی، همان، ص ۲۳۵.

[۷] طبری، همان، ص ۲۹۹۴.

[۸] شیخ مفید؛ ارشاد، ص ۸۲ – طبری، همان، ص ۲۹۹۵.

[۹] قمی، همان، ص ۲۳۷. [

[۱۰] طبری، همان، ص ۳۰۰۰؛ شیخ مفید، همان، ص ۸۵.

[۱۱] محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار،، ح ۴۴، المکتبه الاسلامیه، طهران ۱۳۸۵، ص ۳۱۷. نیز امام موقعی که در محاصره دشمن بود فرمود: «وای بر شما ای شیعه آل سفیان اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید در دنیاتان آزاده باشید» ابی محمد احمد بن اعثم کوفی؛ الفتوح، ج ۶ – ۵؛ دار الکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، بیروت، ص ۱۳۴.

[۱۲] طبری، همان، ص ۳۰۰۴ – ۵؛ شیخ مفید، همان، ص ۸۶ – ۸۷.

[۱۳] هاشم رسول محلاتی؛ زندگانی امام حسین (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۲، به نقل از بحارالانوار، عقد الفرید و تاریخ یعقوبی.

[۱۴] طبری، همان، ص ۳۰۰۶ – ارشاد، ص ۸۸.

[۱۵] محمد هاشم بن محمد علی خراسانی؛ منتخب التواریخ در زندگانی چهارده معصوم، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۴۷، ص ۲۵۸ – مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۳۱۷.

[۱۶] طبری، همان، ص ۳۰۱۰.

[۱۷] مجلسی، همان، ص ۳۱۷.

[۱۸] صالحی نجف آبادی؛ شهید آگاه، چاپخانه نمونه، چاپ پانزدهم قم، ۱۳۶۸، ص ۲۷۹.

[۱۹] مرتضی مطهری؛ حماسه حسینی، ج ۳، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، تهران؛ ۱۳۷۲، ص ۱۵۳.

[۲۰] شیخ مفید، همان، ص ۷۹.

[۲۱] همان، ص ۸۶؛ دینروی، همان، ص ۲۹۸.

[۲۲] شیخ مفید، همان، ص ۸۰.

[۲۳] همان، ص ۱۰۰.

[۲۴] طبری، همان، ص ۳۰۰۸.

[۲۵] ملاحسین واعظ کاشفی؛ روضه الشهدا، به تصحیح ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ص ۲۸۲ – ۳.

[۲۶] ابی عمر بن محمد بن عبد ربه

الاندلسی؛ العقد الفرید، شرفه و ضبط و عنوان اعانه احمد امین، احمد الزین، ابراهیم الابیاری، الجزء الثالث دار الاندلس، للطباعه و النشر و التوازیع، ص ۳۶۵.

[۲۷] طبری، همان، ص ۲۹۹۲.

[۲۸] مجلسی، همان، ص ۳۱۴.

[۲۹] طبری، همان، ص ۳۰۰۰.

[۳۰] همان، ص ۳۰۰۵.

[۳۱] شیخ مفید، همان، ص ۸۵ - در ارشاد آمده است که «کار را بر حسین سخت بگیر».

[۳۲] طبری، همان، ص ۳۰۰۵ - ۶. شیخ مفید؛ ارشاد، ص ۸۸ - نفس المهموم، ص ۲۶۴.

[۳۳] طبری، همان، ص ۳۰۰۹.

[۳۴] حسین محمد جعفری؛ تشیع در مسیر تاریخ، تحلیل و بررسی علل پیدایش تشیع و سیر تکوین آن در اسلام، ترجمه دکتر سید محمدتقی آیت اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم با تجدیدنظر و اضافات، ص ۲۲۰ - ۲۱۹.

[۳۵] طبری، همان، ص ۲۹۹۰ - دینوری؛ همان، ص ۲۹۵، شیخ مفید؛ همان، ص ۸۰. حصین بن نمیر قبلا با چهار هزار نفر در میان قادسیه و قطقطانه مستقر شده بود: دینوری، همان، ص ۲۹۰.

[۳۶] شیخ مفید؛ همان، ص ۸۰.

[۳۷] دینوری، همان، ص ۳۰۱ - محلاتی، همان، ص ۳۸۴، به نقل از حیاه الحسین (ع)، ج ۳، ص ۱۱۷.

[۳۸] همان، ص ۱۱۸.

[۳۹] طبری، همان، ص ۲۹۹۶.

[۴۰] سرزمینی گسترده میان ری و همدان.

[۴۱] دینوری، همان، ص ۳۸۵.

[۴۲] ابن اعثم، همان، ص ۹۹.

[۴۳] دو اردوی امام حسین (ع) و حر بن یزید ریاحی از قطقطانه تا کربلا مسافت مشترکی را طی کردند و از قادسیه و عذیب و

قصـر بنی مقاتل تا کربلا را در نوردیدنـد. البته حر درصدد بود که به دسـتور عبیدالله امام را به کوفه سوق دهد که امام زیر بار نرفت تا اینکه نهایتا در نینوا فرود آمدند.

[۴۴] طبری، همان،

ص ۲۹۸۸ - احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح یعقوبی)، تاریخ یعقوبی، ج ۲ -ترجمه محمد ابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۷۹.

[۴۵] شیخ مفید؛ ارشاد؛ ج ۲، ص ۹۷ - دینوری، همان، ص ۳۰۲ - شیخ مفید این روایت را به نقل از علی ابن الحسین زین العابدین (ع) که خود در کربلا حضور داشته است، نقل می کند.

[۴۶] سلطان حسین تابنده گنابادی (رضا علیشاه)؛ تجلی حقیقت در اسرار کربلا چاپخانه حیدری؛ چاپ سوم تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۴۶.

[۴۷] رجوع شود به تاریخ طبری و اخبار الطوال و ارشاد و سایر منابع. استاد شهید مرتضی مطهری در تحلیل نقش زنان در کربلا نوشته است که نقش زن درکربلا «منحصر به زینب (س) نیست. در این زمینه داستانها داریم. ما در کربلا یک زن شهید داریم و آن، زن جناب عبدالله بن عمیر کلبی است. دو زن نیز داریم که رسما وارد میدان جنگ شده اند، ولی ابا عبدالله مانع شد... مادرهایی ناظر شهادت فرزندانشان بوده و این را در راه خدا به حساب آورده اند: مطهری، همان ج ۱.

[۴۸] طبری، همان، ص ۳۰۲۲ - ارشاد، ج ۲، ص ۹۸.

[۴۹] دینوری، همان، ص ۳۰۱ - ارشاد، ص ۸۸ - و مطلب دیگری در صفحه ۹۸ کتاب ارشاد آمده است که راجع به سازماندهی نیروها در صبح عاشوراست. مطلب چنین است: «اطراف خیمه ها پیش از آن خندق بودند». لذا به این حدس دامن می زند که به صورت عارضه طبیعی در آنجا وجود داشته است.

[۵۰] طبری، همان، ص ۳۰۴۰.

[۵۱] همان، ص ۳۰۴۱.

[۵۲] شیخ مفید، همان، ص ۹۸ - رسولی محلاتی، همان، ص ۳۸۵.

[۵۳] یعقوبی، همان، ص

.۱۷۹

[۵۴] ابوالحسن علی بن الحسین مسعودی؛ مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، شرکت انتشارات علمی و فرهگی، ص ۶۴.

[۵۵] سید ابن طاووس؛ زندگی ابا عبدالله الحسین (ع) (اللهوف)، ترجمه سید محمدباقر صحفی، کارخانه سیمان درود، دفتر مذهبی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۰- البداته و النهایه، ج ۸، ص ۱۹۸.

[۵۶] منتخب التواریخ، ص ۲۴۶.

[۵۷] محمدحسین جعفری، همان، ص ۲۳۴.

[۵۸] منتخب؛ ص ۲۴۵.

[۵۹] سید محسن الامین العاملی؛ امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، ترجمه اداره کل تبلیغات و انتشارات وزارت ارشاد، انتشارت چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، چاپ چهارم تهران ۱۳۶۴، ص ۲۴۴ تا ۲۴۹.

[۶۰] طبری، همان، ص ۳۰۲۰ - ارشاد، ج ۲، ص ۹۸ - اخبار الطوال، ص ۳۰۲.

[۶۱] ابی مخنف؛ مقتل الحسین (اولین تاریخ کربلا و قیام مختار و توابین)، ترجمه محمدباقر و صادق انصاری، مؤسسه دارالکتب، چاپخانه مهر، چاپ دوم، قم، ص ۱۰۵.

[۶۲] حسین محمد جعفری، همان، ص ۲۲۴.

[۶۳] طبری، همان، ص ۲۹۸۸، ارشاد، ص ۸۰ - یعقوبی، همان ص ۱۷۹ - اخبار الطوال، ص ۲۹۹ - ابن طاووس، همان، ص ۵۴ - سبط بن جوزی در تذکره تعداد ۴۵۰۰ نفر را آورده است، منتخب، ص ۲۳۷.

[۶۴] مجلسی، همان، ص ۳۱۵.

[۶۵] روضه الشهدا، ص ۲۷۶ - محمدباقر بیرجندی؛ کبریت الاحمر فی شرایط منبر، به سرمایه حاج سید محمد کتابچی، چاپخانه اسلامیه، تهران، بی تا، ص ۱۵۹. ابن طاووس؛ همان، ص ۵۴ و ۱۹۹ - هاشمی محلاتی به نقل از امالی شیخ صدوق که روایتی از امام صادق (ع) آورده، تعداد آنان را سی هزار نفر ذکر کرده است: محلاتی، همان، ص ۳۸۴.

[۶۶] ابی مخنف، همان، ص ۸۷.

[۶۷] حسین نوری طبرسی؛ لوء لوء مرجان در آداب اهل منبر، انتشارات طباطبایی چاپ سوم،

قم ۱۳۷۱، ص ۱۵۶.

[۶۸] همان، ص ۱۹۵.

[۶۹] همان، ص ۱۶۷ – ۸ – دکتر شهیدی رقم بیست هزار نفر را چندان مبالغه آمیز نمی داند و حضور فرصت طلبانی را در این اردو محتمل می داند. (دکتر سید جعفر شهیدی؛ قیام امام حسین (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، تهران ۱۳۷۲، ص ۱۶۲.

[۷۰] طبری، همان، ص ۲۹۳۰ تا ۲۹۳۵ و ۲۹۴۵؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۴.

[۷۱] دینوری، همان، ص ۳۰۲ – طبری، همان، ص ۳۰۲۰.

[۷۲] منتخب التواریخ، ص ۲۵۸ – بحارالانوار، ص ۳۱۴ تا ۳۲۱.

[۷۳] بحار، ص ۳۱۹ – ۳۲۵.

[۷۴] لؤلؤ و مرجان، ص ۱۹۶.

[۷۵] روضه الشهدا، ص ۲۷۹ تا ۳۵۴.

[۷۶] دینوری، همان، ص ۳۰۱ – مفید، همان، ص ۸۸.

[۷۷] طبری، همان، ص ۳۰۰۷ – دینوری، همان، ص ۳۰۱ – ابن اعثم؛ همان، ص ۱۰۹ – در بحار آمده است که امام پسرش علی را به این مأموریت فرستاد: همان، ص ۳۱۶ که منابع دیگر آن را تأیید نمی کنند.

[۷۸] شیخ مفید؛ همان، ص ۱۱۳ – در اخبار الطوال به همراهی عباس (ع) اشاره شده است دینوری، همان، ص ۳۰۴.

[۷۹] شیخ مفید، همان، ص ۱۱۴.

[۸۰] طبری، همان، ص ۳۰۰۶.

[۸۱] شیخ عباس قمی؛ همان، ص ۴۳۶.

[۸۲] مقتل ابی مخنف، ص ۹۶.

[۸۳] ابن طاووس، همان، ص ۱۱۸.

[۸۴] محمدباقر خراسانی قائنی بیرجندی؛ کبریت الاحمر، ص ۱۵۹.

[۸۵] ابن اعثم؛ همان، ص ۱۱۴ – ابن طاوس، همان، ص ۶۷ – مجلسی، همان، ص ۳۱۹. کاشفی؛ همان، ص ۲۷۹ – شیخ مفید؛ همان، ص ۱۰۴ – طبری؛ همان، ص ۳۰۲۹.

[۸۶] مجلسی، همان، ص ۳۱۹ – ۳۲۵؛ ابن اعثم، همان، ص ۱۱۴ – ۱۲۶؛ روضه الشهدا، ص ۲۷۹ تا ۳۵۴.

[۸۷] شیخ مفید، همان، ص ۱۰۴.

[۸۸] طبری؛ همان، ص ۳۰۳۰.

[۸۹]

شیخ مفید، همان، ص ۱۰۵ - طبری، همان، ص ۳۰۳۲. طبری از مسروق بن وائل آورده است که هنگام جهیدن اسبش افتاد و پای و ساق و ران وی جدا، و خود کشته شد.

[۹۰] طبری، همان، ص ۳۰۳۴.

[۹۱] شیخ مفید؛ همان، ص ۱۰۵ - طبری؛ همان، ص ۳۰۳۵.

[۹۲] شیخ مفید، همان، ص ۱۰۶ - طبری، همان، ص ۳۰۳۷ - ۸.

[۹۳] طبری، همان، ص ۳۰۳۸.

[۹۴] شیخ مفید؛ همان، ص ۱۰۷ - طبری، همان، ص ۳۰۳۹ - در ترجمه تاریخ طبری اسم حصین بن غیر «حصین بن تمیم» ذکر شده که احتمالا اشتباه از مترجم آن است.

[۹۵] طبری، همان، ص ۳۰۴۲.

[۹۶] شیخ مفید؛ همان، ص ۱۰۸ - طبری، همان، ص ۳۰۴۵. در ارشاد از حضور حر دراین مرحله نبرد حرفی به میان نیامده ولی در تاریخ طبری از آن یاد شده است.

[۹۷] طبری، همان، ص ۳۰۴۵ - ابن طاوس، همان، ص ۱۱۱.

[۹۸] طبری، همان، ص ۳۰۴۵ - ۸.

[۹۹] همان، ص ۳۰۴۹ - شیخ مفید، همان، ص ۱۰۸ - عباس (ع) که به گواهی ربیع بن تمیم عبدی در جنگها دلیرتر از همه بود با وجود اینکه مورد سنگباران دشمن قرار گرفت و زره خویش بینداخت به دشمن حمله کرد و بیش از دویست تن را دنبال کرد، آنگاه از هر طرف بر وی تاختند تا کشته شد: طبری، همان، ص ۳۰۴۹. [

[۱۰۰] طبری، همان، ص ۳۰۴۹.

[۱۰۱] ارشاد، ص ۱۱۰ - طبری، همان، ص ۳۰۵۲.

[۱۰۲] ارشاد، ص ۱۱۱.

[۱۰۳] همان، ص ۱۱۱ - ابوالفرج اصفهانی؛ مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، مقدمه و تصحیح علی اکبر غفاری، کتابفروشی صدوق، تهران ۱۳۴۹، ص ۱۱۷.

[۱۰۴] مطهری، همان، ج ۳، ص ۲۶۴.

همان، ص ۲۶۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹